



مهدی ذاکریان، استاد علوم سیاسی:

اگر مشارکت مردمی وجود داشته باشد، امنیت ملی در حد اعلا
برقرار می‌شود

فریدون مجلسی، نویسنده و تحلیلگر سیاسی:

احیای برجام و پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف، گره‌گشایی از مشکلات
اقتصادی است



هفته‌نامه غیربرخط اراده‌ملت شماره ۶۲ چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

تفکر حزبی لازمه صیانت از رای مردم

در جهان سیاست حتی دیکتاتورترین افراد چون به سخن می‌آیند محور و تم سخن خود را بر رای و خواست مردم بنیان می‌نهند و با سینه‌ای جلو داده و گردنی افراخته عنوان می‌دارند که مهمترین وظیفه خود و همه سازمان‌های تحت امر خود را صیانت از رای و نظر مردم می‌دانند و برای تحقق و دوام آن می‌کوشند.

البته در دموکراتیک‌ترین سیستم‌های مدیریت سیاسی دنیا نیز مردم آنگاه به فریاد بر می‌آیند و معترض می‌شوند که احساس کنند بن‌مایه رای آنها که از صندوق‌های رای بیرون می‌آید...

سیاست کلان در برابر سیاست خرد

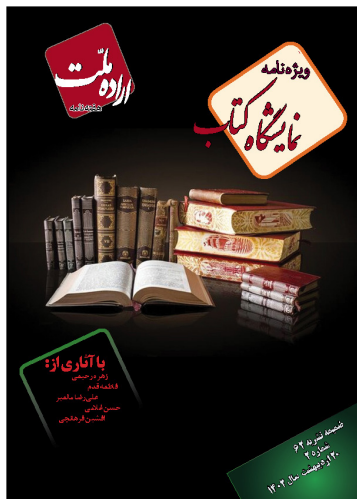
حدود بیست و اندی سال قبل وزمانی که دولت وقت به تشکیل شوراهای شهر و روستا اهتمام ورزید، این گمان برای کنش‌گران سیاسی در ایران ایجاد شد که میتوان با تفکیک سیاست خرد از کلان، راه جدیدی را در مدیریت کشور ایران گشود. شوراهای تشکیلات جدیدی بود که می‌توانست با وارد کردن نسل جدیدی از مدیران و ایده‌ها فضا را برای نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها باز کند و طرحی نو را در اندازد.

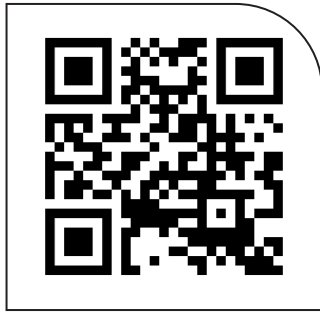
پتانسیل‌های متعددی که در شوراهای مدیریت شهری وجود داشت، این امیدواری را بوجود آورد که اگر چه مشکلات متعددی در حوزه سیاست کلان ایران وجود دارد و...

مطبوعات و آزادی بیان

مطبوعات بهترین ابزار برای استیفای این حقوق طبیعی هستند. هیچ کس و حتی حکومت‌هانی نمی‌توانند این حقوق فطری و طبیعی را از اشخاص و جامعه سلب نمایند. جلوگیری از آزادی عقیده بیان و مطبوعات ولو به صورت موقتی و زودگذر و بنا بر هر دلیلی که باشد تجاوز آشکار به حقوق شهروندی افراد و ظلمی در حق افرادی است که آزادی بیان و عقیده از آنان دریغ شده است. آزادی مطبوعات در واقع پیش شرط توسعه سیاسی و اجتماعی است و با محترم شمردن آزادی مطبوعات در واقع آزادی بیان و عقیده در جامعه تبلور عینی پیدا میکند

آزادی بیان به عنوان یک عنصر حیاتی محور تمام آزادی‌های مدنی به شمار می‌رود، همان‌طور که فرد به عنوان یک شخصیت حقیقی در جامعه حق حیات دارد و این حق، در واقع از جمله حقوق فطری و طبیعی او به شمار می‌رود، از این رو می‌توان حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات را به عنوان حقوق فطری و طبیعی جامعه در نظر گرفت، آزادی بیان و مطبوعات، بخش غیر قابل انکار حیات اجتماعی و سیاسی شهروندان را تشکیل می‌دهد، شهروندان باید از این حق طبیعی اجتماعی سیاسی خود استفاده برده و نیروی خلاقه ذهنی خود را برای بهبود وضعیت جامعه ارتقا دهند.





هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲ / شماره ۶۲



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی

رضوان سلماسی / فاطمه قدم / فائزه صدر

مہتاب قصابی / مهشید قاسمی

افشین فرهانچی / پیام فیض / حسن غلامی

شمس اله افرازی زاده / کاظم طیبی فرد

عباس محمدی / محمد هادی خوش کلام

محمد مهدی احدیان / مهدی تروهید

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ / ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: بهانه‌های ساده

کلام مدیر مسئول: و اینک تولد انسان جدید ایرانی

سخن سردبیری: سیاست کلان در برابر سیاست خُرد

سر مقاله: مطبوعات و آزادی بیان

گفتگوی ویژه: حاکمیت بستری آزاد برای پیگیری مطالبات مردم فراهم آورد

۱۲..... نوشتار

تفکر حزبی لازمه صیانت از رای مردم

تک زبانی به مثابه تک صدایی

۱۸..... گزارش

گزارشی از دو قرن تاریخ فمینیسم

۲۴..... اندیشه

در نظر التقاط، در عمل الطفات

غذا دادن به گربه‌های خیابانی به نفع آن‌ها نیست

۲۸..... گفتگو

اگر مشارکت مردمی وجود داشته باشد، امنیت ملی در حد اعلای برقرار می‌شود

احیای برجام و پیوستن به اف‌ای تی‌اف، گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی است

۳۳..... معرفی و پیشنهاد

هیچ چیز بدون اثری از خود، نمی‌گذرد

تورم آمد، اخلاق رفت

میراث مکتوب در گذر زمان

خنیانگری ممنوع

شمع سوخته

در ستایش گرم‌ترین رنگ

به صفر رساندن گر سنگی

۴۳..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۶): پایان دوره یکم مجلس شورای ملی

۴۹..... نگاهی به رویدادهای اخیر جهان

۵۳..... اخبار حزب

۵۶..... صفحه آخر: آموزش‌های تشکیلاتی (۱)

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از

همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

به جای مقدمه

بهانه های ساده

نظران سیاسی و یک گفتگو با یکی از اعضا ارشد حزب را تقدیم تان مینمائیم. گلچینی از کتاب، فیلم، شعر، عکس و ... نیز در انتظار مطالعه شما می باشد.

در این شماره مقالاتی داریم در باب احزاب، تک صدائی و تک زبانی، مطبوعات، جنبش های فمنیستی. بخش تاریخ احزاب ایران، اخبار حزبی و اخبار منطقه نیز فعال است؛ که امیدواریم مورد طبع شما قرار گیرد.

به ضمیمه این شماره دومین ویژه نامه نشریه اراده ملت را با عنوان "نمایشگاه کتاب تهران" در ۳۶ صفحه تقدیم مینمائیم. در این ویژه نامه مجموعه کتابهای انتشارات حزب در نمایشگاه کتاب دهه آخر اردیبهشت معرفی شده است.

درود. سه بهانه باعث شد که این شماره نشریه با حجمی کمتر از همیشه در اختیار خوانندگان عزیز ما قرار گیرد.

اول. آماده شدن حزب بود برای حضور موفق در نمایشگاه کتاب، که بخشی از وقت دبیرخانه حزب را به خود اختصاص داد.

دوم. گردهمائی فصلی اعضا هیات تحریریه نشریه بود که یک روز کاری را از دست اندرکاران نشریه گرفت.

سوم. تهیه ویژه نامه دوم نشریه با عنوان نمایشگاه کتاب تهران بود که خود بخش زیادی از وقت سیستم مدیریتی نشریه را درگیر نمود. با اینحال مشابه همیشه دو گفتگو با صاحب

و اینک تولد انسان جدید ایرانی



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

جدید تولد یافته است و ضرورت دوچندان برای همه اندیشه ورزان با هر دیدگاه و رویکردی احساس می شود که به بازشناسی آن همت گمارند. این «اگر و آنگاه»ی که گفته آمد کلیت چهارچوب های تحلیلی کلاسیک و کلیشه ای را به چالش می کشد و ایران جدیدی را فرا روی نگاه ما آشکار می سازد و بر بیراهه بودن هر تحلیلی منتزع از این «تغییر نگاه» مهر تأیید می زند. پس با این افق «نو» طرحی نو باید در انداخت برای آینده ای متفاوت و پر واضح است که هر گونه مقاومتی اگر نگوییم مذبوحانه، دست کم محکوم به زوال بوده سر از «نا کجا آباد» های تلخ و ناگواری در خواهد آورد که چونان گریه فرو بسته بر کار ایران و ایرانی در درازنای هزاره های پرفراز و نشیب نصیبی جز ناکامی ها و حسرت های پی در پی نداشته و هر نوزایی و پیشرفتی را در نطفه خفه کرده است. در نتیجه و به عبارتی دیگر ایدئولوژی «انسان» محورانه که تاکنون و در ذهنیت جامعه ما، و به گمان من تنها در منظر به اصطلاح «تخبگان فکری» انگاره ای بیش نبوده و در بهترین حالت کاربردی آکادمیک برای آن متصور بوده ایم و در لابلای متن نوشته های مکتوب و غیر مکتوب و رسانه های دیداری و شنیداری و ... جستجویش کرده ایم، جایش را به خود «انسان» داده است و ظهور و بروزش در همه ابعاد زندگی ما. در پایان، امیدوارم این ارائه، هر چند مختصر و ناقص، فتح بایی باشد برای کسانی که اندیشه رزی را با دلسوزی و دغدغه مندی عجین کرده اند، از این رو فراورده های فکری شان را جهت انعکاس در شماره های بعدی به انتظار خواهیم نشست.

در مورد انسان از منظرهای مختلفی می توان بحث کرد که شاید در این مجال نگنجد. بدون اینکه به استدلال های فلسفی پیچیده بپردازم و مبنای سخن قرار دهم صرفاً با چاشنی «تجربه زیسته» به آنچه که در اکنون و اینجایی که قرار داریم پدیدار می شود اکتفا می کنم و به موضوعی می پردازم که می تواند از هر جهت حائز اهمیت باشد به ویژه از باب جستار گشایی.

مفهوم «انسان» بایک دگر دیسی بنیادین و مبنایی آن هم در عینیت جامعه ما به مثابه «امر واقع» مواجه شده است

«اگر» ما باشیم و جامعه ای که در آن زندگی می کنیم و نیز تحولاتی که در ماه های اخیر با شدت و حدت روز افزونی در حال وقوع است، چه اعتراضات بنامیم اش و یا هر عنوان دیگری، «آنگاه» در می یابیم که مفهوم «انسان» بایک دگر دیسی بنیادین و مبنایی آن هم در عینیت جامعه ما به مثابه «امر واقع» مواجه شده و «انسانی» با شکل و شمایل

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

سیاست کلان در برابر سیاست خرد

مدرسه، دانشگاه، سمن و حزب کردیم و باعث ناکارآمدی این نهادها شدیم، با شوراها کردیم و این روزنه امید را نیز از بین بردیم. محدود کردن اختیارات شوراها، تحت نظارت قرار دادن ایشان زیر نظر فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها، تحمیل شهرداران یا دهیاران به آنها، منفک کردن بسیاری از وظایف و مسئولیت‌های ایشان، اعمال نظرهای پشت پرده، حذف شوراهای محلات در پائین‌ترین سطح و بی‌عمل کردن شوراهای استانی در بالاترین سطح و اعمال نظارت استصوابی شدید بر نامزدها از مجموعه اقداماتی بود که در طی این شش دوره عملکرد شوراهای انجام شد و باعث گردید که شوراها از حیض انتفاع بیافتند و در وضعیتی گرفتار آیند که نه مردم و نه مدیریت شهری سودی از آن نمیبرند.

اگر نظرسنجی کوچکی صورت گیرد می‌بینیم که بسیاری از مردم شهرها حتی اعضا شورای شهر خود را نمی‌شناسند و نمیدانند که آنها چه وظایفی را بر عهده دارند. حتی بسیاری آنها را عامل مزاحمی می‌پندارند که جلو عملکرد مجموعه شهرداری را گرفته است و روند حرکت پروژه‌های شهری را کند کرده است. خود شورائیان نیز معتقدند که ایشان شوراهای شهر نیستند و بهتر است آنها را شورای شهرداری نامید. ما کماکان شوراها را یکی از مهمترین نمادهای مردم سالاری و دموکراسی میدانیم و پتانسیل نهفته در آنها را ارج می‌نهیم ولی شاید لازم باشد که لاقل در این شرایط تفکیک بین سیاست خرد و کلان صورت گیرد و این فرصت به بازیگران خرد داده شود تا خلاقیت و توانایی خود را بروز دهند. فرصت‌ها محدود است و از هر جاییکه بتوان فرایندها را اصلاح کرد، باید کار را شروع نمود. امیدواریم که سیاستگذاران کلان لاقل این یک حوزه را رها نکنند و اجازه دهند که مردم بطور واقعی و عینی در مورد آن اعمال نظر نمایند و تصمیم گیرند.

حدود بیست‌و‌اندی سال قبل و زمانی که دولت وقت به تشکیل شوراهای شهر و روستا اهتمام ورزید، این گمان برای کنش‌گران سیاسی در ایران ایجاد شد که میتوان با تفکیک سیاست خرد از کلان، راه جدیدی را در مدیریت کشور ایران گشود. شوراها تشکیلات جدیدی بود که می‌توانست با وارد کردن نسل جدیدی از مدیران و ایده‌ها فضا را برای نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها باز کند و طرحی نو را در اندازد.

پتانسیل‌های متعددی که در شوراها و مدیریت شهری وجود داشت، این امیدواری را بوجود آورد که اگر چه مشکلات متعددی در حوزه سیاست کلان ایران وجود دارد، ولی میتوان جزایر کیفیتی را لاقل در سطح بعضی از شهرها و روستاهای کشور ایجاد کرد؛ و با الگو ساختن آنها بتدریج به اصلاح سیاست‌های کلان همت گمارد.

اما سیاست‌گذاران کلان کشور یا این پتانسیل را ندیدند یا از قدرت بالقوه آن به هراس افتادند و آرام آرام با وضع قوانین و مقرراتی دست‌وپای این نهادهای جدید را بستند. هم‌زمان مشابه بسیاری از نهادهای دیگر تلاش کردند تا از ورود نیروهای خلاق، متفکر و متفاوت به این شوراها جلوگیری کنند. این دو حرکت باعث شد که نهاد شوراها که میتوانست نور امیدی در صحنه مدیریتی کشور بیاندازد تبدیل به یکی از غیر مفیدترین نهادهای کشور گردند تا جائیکه خود مسئولان نیز به این موضوع اعتراف می‌کنند.

سیاست کلان در کشور ما بر پایه بنیان‌های اشتباهی حرکت می‌کند. منافع ملی در آن اولویت اصلی نیست، شایسته‌ترین‌ها جایی در سیاست‌گذاری‌های آن ندارند و توده مردم در آن تماشاجیانی بیش نیستند. شوراها که در حیطه سیاست خرد تعریف می‌شدند، می‌توانستند تمام این نقطه ضعف‌ها را بر طرف کنند. اما ما استاد از کارآمدی انداختن نهادهای کارآمد هستیم. همان رفتاری را که با نهاد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

مطبوعات و آزادی بیان

و مروجان سیاستگذاری های عمومی حکومت ها قلمداد می شوند و نقش رسانه ها و مطبوعات تا حد روابط عمومی و حتی ابزاری برای تبلیغ حاکمیت کاهش پیدا می کند، بنابراین باید همواره هوشیار بود که مطبوعات و رسانه ها کارکردی غیر مدنی تحت عنوان تریبون حاکمیت پیدا نکنند. نکته مهم و حائز اهمیت این است که حکومت ها نباید اصل آزادی رسانه و مطبوعات را نادیده بگیرند، زیرا هر نوع مخالفت و مقابله با آزادی بیان مغایر اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و در کشور ما نیز بخشی از اصول قانون اساسی در حمایت از آزادی بیان و عقیده بوده و با نقض آزادی بیان و مطبوعات به صراحت مخالفت شده است.

همواره از مطبوعات به عنوان «رکن رکین و حبل متین و ستون رابع و حرز مانع جامعه مدنی» یاد میشود. لذا مطبوعات آزاد و مستقل از دولت در جایگاه رسانه های عمومی به مثابه ریه های حیاتی برای جوامع دموکراتیک عمل می کنند و به سالم سازی و تصفیه فضای سیاسی اجتماعی و اقتصادی جوامع کمک فراوان می کند. در سایه چنین رسانه هایی دولت مردان و حاکمان جامعه همواره در معرض دادگاه عمومی جامعه، خود را حاضر و در صد خطا و اشتباه و افسادشان کاهش می یابد. در واقع می توان گفت آزادی رسانه و مطبوعات ضامن

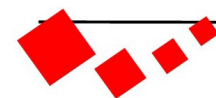
مدنیت و مرهم زخم های پیکره سیاست است. متأسفانه امسال نیز سوم ماه می را در شرایطی محترم می شماریم و ارج می نهیم که روزنامه نگاران زیادی از آن جمله کیوان صمیمی، نیلوفر حامدی، الهه محمدی، سها مرتضایی و تعداد زیاد دیگری از عزیزان و اهالی قلم و مطبوعات در بازداشت و زندان بسر می برند، ضمن آرزوی رهایی برای تمامی زندانیان سیاسی، مدنی و مطبوعاتی، امیدوارم روزی فرا رسد که زندان ها از اهالی قلم و عقیده و بیان خالی گردد.

سازمان جهانی یونسکو به کمک مجمع عمومی سازمان ملل متحد، روز سوم ماه می را به منظور ارج نهادن و ارتقای آزادی مطبوعات به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات اعلام کرده است.

آزادی بیان به عنوان یک عنصر حیاتی محور تمام آزادی های مدنی به شمار می رود، همان طور که فرد به عنوان یک شخصیت حقیقی در جامعه حق حیات دارد و این حق، در واقع از جمله حقوق فطری و طبیعی او به شمار می رود، از این رو می توان حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات را به عنوان حقوق فطری و طبیعی جامعه در نظر گرفت، آزادی بیان و مطبوعات، بخش غیر قابل انکار حیات اجتماعی و سیاسی شهروندان را تشکیل می دهد، شهروندان باید از این حق طبیعی اجتماعی سیاسی خود استفاده برده و نیروی خلاقه ذهنی خود را برای بهبود وضعیت جامعه ارتقا دهند.

مطبوعات بهترین ابزار برای استیفای این حقوق طبیعی هستند. هیچ کس و حتی حکومت ها نمی توانند این حقوق فطری و طبیعی را از اشخاص و جامعه سلب نمایند. جلوگیری از آزادی عقیده بیان و مطبوعات ولو به صورت موقتی و زودگذر و بنا بر هر دلیلی که باشد تجاوز آشکار به حقوق شهروندی افراد و ظلمی در حق افرادی است که آزادی بیان و عقیده از آنان دریغ شده است.

و با محترم شمردن آزادی مطبوعات در واقع آزادی بیان و عقیده در جامعه تبلور عینی پیدا میکند



آزادی مطبوعات در واقع پیش شرط توسعه سیاسی و اجتماعی است و با محترم شمردن آزادی مطبوعات در واقع آزادی بیان و عقیده در جامعه تبلور عینی پیدا میکند. حکومت ها نباید با خط کشی های جعلی برای مطبوعات حوزه مانور تعریف و ترسیم، و آزادی های آنان را محدود کنند. با چنین کارکردی در واقع رسانه ها مبلغین



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲
۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

گفتگوی ویژه

اراده ملت، فاطمه قدم: در گفتگوی ویژه این شماره سراغ محمدرضا روستائی عضو سابق شورای مرکزی و عضو فعلی دفتر سیاسی حزب، رفته ایم. ایشان دانش آموخته علوم سیاسی هستند و فعالیت خود در حزب اراده ملت ایران را از دوران جوانی و در قالب شاخه جوانان شروع نموده اند. ضمن تشکر از ایشان، مشروع گفتگو با وی را در ادامه میخوانیم:

حاکمیت بستری آزاد برای پیگیری مطالبات مردم فراهم آورد



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



جریان اصلاحات بوجود آورد. اگر بگوییم سوخت احزاب مردم هستند، سوخت احزاب اصلاح طلبی که مدعای پیگیری مطالبات مردم را داشتند ته کشید و فضایی را بوجود آورد تا اپوزیسیون خارج از کشور که در تلاش بود، در شکاف سنت و مدرنیته نقش رهبری برای خود قائل شود فعال تر شود.

در جنبش اخیر ما با یک حرکت سازمان یافته و رهبری شونده روبرو نبودیم که بخواهیم بگوییم نمایندگی این جریان در داخل از کشور وجود نداشت بلکه در ابتدا اپوزیسیون در نقش حامی و همراه جنبش شکل گرفته، ظاهر شد و نه بوجود آورنده و در مرحله دوم که نیت داشت وارد فاز رهبری شود با شکست مواجه شد و این نمایندگی هنوز نیز در خارج از کشور شکل نگرفته است. حتی اگر بگوییم شکل گرفته ولی توانایی گسترده ای برای بسیج اقشار مختلف مردم ندارد. یکی از دلایل شکل گیری گروهی به نام جوانان محلات به عنوان سازمان هماهنگ کننده همین موضوع است. اما این به این معنا نیست که در خارج از کشور تلاش برای در جایگاه نمایندگی نشستن نبوده است. راه حل هائیز قطعا معطوف به روشهای بازسازی سرمایه اجتماعی احزاب و نهادها خواهد بود و در کنار آن باید این درک در حاکمیت نیز

در اعتراضات سال گذشته حزب یا جریان سیاسی خاصی به عنوان نماینده مطالبات مردمی وجود نداشت، و این موضوع باعث شد که اپوزیسیون خارج از کشور مدعی نمایندگی مردم گردید. تحلیل شما در اینباره چیست و برای رفع آن چه راهکاری را توصیه مینمائید؟

شکاف سنت و مدرنیته یکی از شکاف های همیشه فعال در یک قرن گذشته ایران بوده است. نمایندگی تفکر مدرنیته حداقل در سه دهه گذشته را جریان اصلاحات بر عهده داشت که این جریان بنا به دلایلی که نیازمند آسیب شناسی مجزایی است و ایرادات داخلی و هم چنین فشارهایی که از بیرون وارد شد با بحران دست آورد روبرو شد. این بحران در دست آورد در دوره دوم ریاست جمهوری دکتر روحانی شدت گرفت و بخشی از دستاوردهای پیشین نظیر ثبات اقتصادی، گسترش طبقه متوسط شهری یا افزایش نهادهای مدنی که در دوره ریاست جمهوری خاتمی وجود آمده بود نیز از بین برد.

از طرفی جریان اصلاحات تمامی مطالبات یک جریان مدرن را در دستور پیگیری قرار نداده بود. خروجی این بحران در دست آورد، نداشتن رسانه قدرتمند و ایراد در عملکرد، بحران مشروعیت برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

قوت بگیرد که بستر فضای آزاد برای پیگیری صادقانه مطالبات مردم را بوجد آورد.

طبیعتاً به میزانی که یک نظام سیاسی توزیع عادلانه ارزش‌ها را در پیش گرفته و نسبت به تحقق مطالبات و توجه به اهمیت ارزش‌های مردم انعطاف بیشتری نشان دهد و از طرفی به شکل دهی جامعه مدنی و تقویت نهادهای مدنی به عنوان یک امکان زیستن مسالمت آمیز افکار متضاد و دغدغه‌های گوناگون اعتقاد داشته باشد فضا را برای مخالفان خود محدودتر می‌کند. زیرا تغذیه مخالفان هر سیستمی از نقاط ضعف و ارزش‌های مغفول مانده است. در ایران شکاف‌های متعددی فعال

رادیكال شدن مناقشات هزینه‌های كنش سیاسی را بالاتر برده و پیش‌بینی پذیری اتفاقات را دشوارتر خواهد كرد

هستند که در حال حاضر بر یکدیگر تاثیر گذار نیز شده‌اند و طیف گسترده‌ای از مطالبات را تشکیل داده‌اند.

بعد از اعتراضات اخیر و مشابه سنوات قبل، تعدادی از فعالین سیاسی دستگیر شدند و فعالیت بعضی از احزاب محدود شد. ناگزیر اعتراضات مدنی حالت مخفیانه و زیر زمینی پیدا کرد. دلایل پیدایش چنین امری چیست و ادامه این روند چه پیامدها و آثاری در جامعه سیاسی و اجتماعی کشور به همراه خواهد داشت؟

برخی از پیش‌فرض‌های این سوال قابل بحث است. مثلاً بخشی از دلایل محدود شدن فعالیت اعضا، سردرگمی در اتخاذ راهبرد توسط خود احزاب بوده است. در ابتدا باید به نظریه فوکو از قدرت نگاهي بیندازیم. فرض کنید ما بی‌نهایت بر دار ریز خرده قدرت داریم که به تنهایی توانایی تحقق مطالبات خویش را ندارند. این خرده قدرت‌ها جهت تشکیل بُردار بزرگتر نیازمند تشکیل بلوک قدرت هستند. پیش‌زمینه تشکیل بلوک قدرت عامل متحد کننده است که می‌تواند دین، ایدئولوژی، منفعت، آرمان، ارزش یا نظایر آن باشد. پس از عامل متحد کننده، سازماندهی و منابع نیاز هست. در یک فرهنگ سیاسی مشارکتی افراد به پیگیری مطالبات خود در قالب بلوک قدرت تشویق می‌شوند و ماهیت منازعات سیاسی امکان ادغام بلوک‌های بزرگتر را به وجود می‌آورد فرض کنید این بلوک قدرت می‌تواند یک حزب، یک سمن، یک جبهه یا یک پیمان نظامی باشد. در این فرهنگ سیاسی هم افراد تشویق به حضور در کارهای جمعی می‌شوند و هم اشکال ستیز و منازعات میان بلوک‌های قدرت مشخص است. در فرهنگ‌های سیاسی محدود و تبعی، بلوک قدرت مستقر در مقابل تشکیل بلوک‌های جدید مقاومت‌هایی را نشان می‌دهد این مقاومت نهایتاً سبب می‌شود رفتارهای توده‌وار جایگزین رفتارهای مدنی شود و شکل منازعات در اشکال مختلف از رادیكال تا مدنی جریان پیدا کند. در این حالت منازعات صرفاً خشونت آمیز نمی‌شود و بلکه شاهد مبارزات خلاقانه نیز هستیم اما شاهد گسترش خشونت نیز می‌شویم. در این بین افرادی که به دلیل شهرت از بُردار قدرت بزرگتری برخوردار هستند در جایگاه سازمان‌ها، سمن‌ها و احزاب می‌نشینند و تداوم

منازعات نیز مقطعی گشته و در برهه‌هایی بسیار زیاد در قالب رفتارهای توده‌وار شده و در برهه‌هایی نزدیک به صفر می‌شود.

همچنین رادیكال شدن مناقشات هزینه‌های كنش سیاسی را بالاتر برده و پیش‌بینی پذیری اتفاقات را دشوارتر خواهد كرد. از سوی دیگر قطبی‌سازی‌ها را تشدید نموده و با کاهش سرمایه اجتماعی، کارآمدی دولت‌ها کاهش پیدا کرده و چرخه‌ای مخرب و تکرار شونده اتفاق خواهد افتاد.

همزمان با اعتراضات سال گذشته گفتگوهای میان چهره‌های سیاسی و سران حاکمیت برگزار شد ولی در ادامه متوقف گردید. دلیل آنکه این گفتگوها به نتیجه نمی‌رسد و یا کمتر شاهد نتیجه و تاثیر گذاری آن هستیم چیست؟

اساساً گفتگو یک امکان مدنی جهت حل هر گونه نزاع است. تعارضات در سیاست به دلیل مغایرت در میزان اهمیت ارزش‌ها، محدودیت منابع و ماهیت قدرت همیشه وجود دارد. در صورت بندی کلی چهار روش مواجهه با تعارضات وجود دارد. که شامل سرکوب مستقیم، سرکوب غیر مستقیم، نظریات بازی‌ها و گفتگو می‌شود. در سه سبک اول توجهی به ریشه‌های نزاع نمی‌شود. گفتگو مدنی‌ترین و کاربردی‌ترین روش مواجهه و حل یک نزاع است اما پیش‌نیاز آن انتخاب آگاهانه این روش توسط طرفین منازعه با نیت به نتیجه رسیدن است.

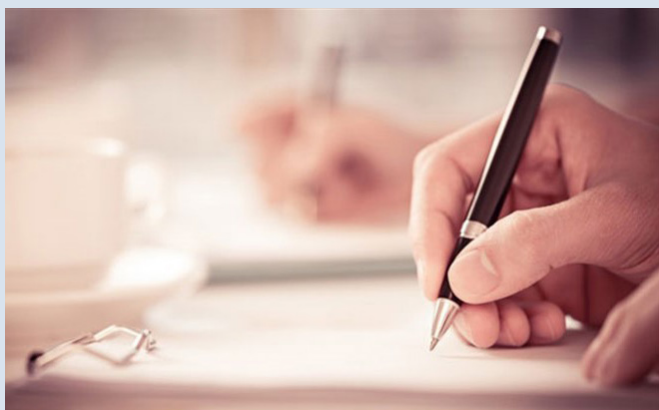
اگر گفتگو به شکل مستقیم به عنوان یک راهبرد اتخاذ نشود، به صورت غیر مستقیم و در یک دیالکتیک گسترده عمومی جریان خواهد داشت که می‌توان به مقالات سیاسی نشریات به عنوان گفتگوی غیر مستقیم اشاره کرد در گفتگوی غیر مستقیم مسئله مورد نزاع رفع نخواهد شد و تنازع از طریق سرکوب به شکل مستقیم یا غیر مستقیم یا در قالب نظریه بازی‌ها ادامه پیدا خواهد کرد که تجربه سیاسی به ما نشان داده تعارضات در راهبردهای دیگر به سمت تنش و بحران بیشتر حرکت خواهند کرد. لذا اگر بخواهیم آینده پژوهانه به آینده‌های ممکن اتفاقات امروز ببیندیشیم نمی‌توان از راهبرد گفتگو عبور کرد اما پیش شرط تحقق آن باید رعایت شود.

آقای رئیسی در روزهای آغازین ریاست جمهوری خود از احزاب و چهره‌های سیاسی مخالف خود دعوت به ارائه راهکار برای حل مشکلات کرد که آن زمان با استقبال مواجه شد اما حالا مشاهده می‌شود این روند موجود بر خلاف آن حرکت آقای رئیسی بوده است. این رفتار دو گانه حاکی از چیست و به چه شکل قابل حل است؟

پیش از پاسخ به این پرسش یادآور می‌شوم جناب رئیسی مدعی داشتن راهکار و برنامه برای حل مشکلات بودند، حال آنکه آنچه شاهدش هستیم این است که یا آن برنامه‌ها وجود نداشتند یا اینکه آن برنامه‌ها جواب ندادند ما جراحی اقتصادی دولت و نتایج آن را فراموش نکردیم. اگر آقای رئیسی بخواهد مشکلات موجود را فرافکنی کند و عامل به نتیجه نرسیدن اهداف دولت در خارج از دولت دیده شود، احتمال برخورد با مخالفان بالاتر می‌رود؛ اما اگر آقای رئیسی بپذیرد که توان موجود تیم وی، برای رفع مشکلات کافی نیست باید در ابتدا فضای گفتگو را ایجاد کند. فضای گفتگو به تعبیر دقیق آنچه که هابرماس از آن به عنوان شکل‌گیری عرصه عمومی نام می‌برد که تاکنون نشانه‌هایی از عزم جدی برای شکل دهی به عرصه عمومی دیده نشده است. لذا نمی‌توان به صرف اظهار نظر اکتفا نمود.



نوشتار



تفکر حزبی لازمه صیانت از رای مردم



حسن اسدی

انتخاباتی نشان می دهد. پس رای، فرد رای دهنده را متعهد می کند که به آنچه منتخب او تصمیم گرفته عمل کند و صیانت از رای حزب و نماینده ای از آن حزب را که منتخب مردم شده است ملتزم به گفته هایی می کند که قبل از انتخابات با بیان آنها مردم را مجاب به رای دادن کرده است.

حال سؤال و ابهام در اینجاست که آیا من رای دهنده واقعا می دانم که با رای خود در چه چیزی مشارکت می کنم؟

مسلم است که نه! زیرا که در سال های قبل از انقلاب حزب دست مایه بازی های سیاسی دربار و عده ای بنگاه دار بود و تنها چیزی که در آن مطرح نبود برنامه و آینده نگاشت مشخص کننده کمبودها و نیازهای جامعه بود و از آنجا که در چنین ساخت قدرتی، جایی برای مردم و خواست و مطالبه آنها باقی نمی ماند پس رای از منظر حق مشارکت بلا موضوع می شود.

در سال های بعد از انقلاب هم که رای و مشارکت سیاسی در ساخت قدرت عنوان تکلیف یافت، به رای دهنده اجازه نداد که بداند مشارکت برای تولید کدام فرصت و امکان است؛ و این کور شدن فهم این موقعیت را فراهم کرد تا حاکمیت تعریف خود از ساختار را بر هر آنکه با من زاویه ای ندارد از من است، بنیان نهد. با این تفسیر رای برای افراد حکم بلیطی را یافت که می شد از محل فعالیت برای اخذ آن از مردم، گروهی به مجموعه حاکمیت ورود یابند و حتی بدون کمترین سرمایه ای مالک تلقی شوند و سهامدار انقلاب شوند. در عمل، التزام به دادن برنامه و داشتن اهلیت در کار، به حاشیه رانده شد و شوربختانه تداوم این روند عملا قدرت و حاکمیت را از امکان بهره مندی از نیروهای دارای فکر و برنامه محروم ساخت و روند تصمیم سازی و تصمیم گیری به اما و اگر سپرده شد و در نتیجه جریانی شکل گرفت که در آن اهمیتی به آینده و مدیریت آن داده نمی شود تا کاندیدا ملزم به ارائه برنامه شود و حزب ضمانت اجرایی شدن و به نتیجه رسیدن برنامه را تقبل کند. در نتیجه نه رای مصادف با تعریف بعمل آمده از آن شد و نه کسی عملا خود را بعد از جلوس در جایگاه قدرت ملزم به صیانت از رای مردم دانست.

در جهان سیاست حتی دیکتاتورترین افراد چون به سخن می آیند محور و تم سخن خود را بر رای و خواست مردم بنیان می نهند و با سینه ای جلو داده و گردنی افراخته عنوان می دارند که مهمترین وظیفه خود و همه سازمان های تحت امر خود را صیانت از رای و نظر مردم می دانند و برای تحقق و دوام آن می کوشند.

البته در دموکراتیک ترین سیستم های مدیریت سیاسی دنیای مردم آنگاه به فریاد بر می آیند و معترض می شوند که احساس کنند بن مایه رای آنها که از صندوق های رای بیرون می آید و در لوای قانون جاری می شود رعایت نمی گردد و یا به محور تصمیم گیری تبدیل نمی شود!

رای را می توان الزام و تعهد یک شهروند به مشارکت در شکل گیری جریانی متعالی برای بهبود دانست

حال سؤال این است که رای چیست و صیانت از آن باید به چه نحوی صورت پذیرد؟

در پاسخ رای را می توان الزام و تعهد یک شهروند به مشارکت در شکل گیری جریانی متعالی برای بهبود دانست که از طریق آن، فرد رای دهنده با توجه به برنامه و ضمانت اجرایی آن که در انطباق با واقعیت ها به نمایش در می آید به کاندیدا و یا حزبی که کاندیدا از سوی آن معرفی شده است ابلاغ و اعلان می دارد. و صیانت از رای عبارت از میزان تعهدی است که حزب و کاندیدای او که از مردم رای گرفته نسبت به برنامه های اعلان شده در کوران مبارزات



تک زبانی به مثابه تک صدایی



عباس محمدی

mailto:abac.mahndir@imal.com

سیاسی به هیچ عنوان منطبق بر مرزهای زبانی و فرهنگی نیست. البته با این قید بسیار مهم که اساساً تعریف مرز برای فرهنگ‌ها کاری عبث و دور از شان انسان مدرن امروزی است. اما برای کوتاه نمودن سخن بر می گردیم به موضوع اصلی گفتارمان. اینکه پذیرفتیم که کشور ما بسان بسیاری کشورهای دیگر از تلون فرهنگی و زبانی برخوردار است. در این شرایط باید خودمان را نیز ملزم به رعایت حقوق تمامی افراد حاضر در این جغرافیا بدانیم، که در غیر این صورت در ورطه سنگلاخ فاشیسم و یا در کمینه‌ترین حالت به بی عدالتی در افتاده‌ایم.

نگرش مریض و بیمارگونه که به خاطر ذات و جوهره افراطی آن نتیجه عکس می دهد و دیگر افراد و اشخاص و مجموعه را ناخواسته به واگرایی و جدایی و در کمترین حالت به عکس العمل غیر منطقی وامی دارد در حالیکه تجربه گران بار کشورهای پیشرفته نشان می دهد که احترام و حفظ حقوق گروه‌های زبانی، نژادی، مذهبی و جنسیتی نهایتاً به انسجام ملی می انجامد.

در جامعه متکثر ایران که اقوام مختلف در آن زندگی می کنند و قرن هاست که همان هم گرایی طبیعی، آنها را به دور یک خانه بزرگ بنام ایران گرد آورده است. وجود یک زبان رسمی و حمایت تمام قداز گسترش و بالندگی آن با وجود لزوم ظاهری آن، موجب تضعیف / تخفیف دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر می شود. مسئله‌ای که در وجود خود عنصر تک صدایی را نیز تداعی می کند.

در حالیکه تدریس زبان‌های محلی در مدارس ضمن ارج نهادن به تمام شهروندان حاضر در این واحد جغرافیایی، در ذات خود پرورش دهنده احترام متقابل، جامعه حزبی و چند صدایی است که تبدیل به جامعه پویا می شود. مسئله بسیار مهمی که به دلیل اهمیت آن، باید از دوران کودکی و از زمان تحصیل کودکان مورد عنایت و توجه قرار گیرد. کودک در دوران تحصیل خود، ضمن تحصیل به زبان مادری خود و آشنایی با زبان‌های محلی دیگر، زبان ارتباطی را نیز می آموزد که خود بخاطر آموزش چند زبانی بسیار واجد اهمیت است.

تدریس زبان‌های محلی در مدارس ضمن ارج نهادن به تمام شهروندان حاضر در این واحد جغرافیایی، در ذات خود پرورش دهنده احترام متقابل، جامعه حزبی و چند صدایی است

اما متأسفانه در صد سال گذشته درست برعکس این دیدگاه در مدارس و متعاقب آن در جامعه ما گسترش پیدا کرده و موجب از هم گسیختگی جامعه و رشد شعارگونه یک قشر خاص از اجتماع شده است. مگر می شود جامعه‌ای که از اولین روزهای آغازین دبستان با عنصر بی عدالتی بستر سازی می شود در زمان بلوغ، افرادش بتوانند درک درستی از عدالت اجتماعی و احترام به تفاوت‌ها داشته باشند؟

به امید اینکه جامعه ما در تمام سطوح آن عقلانیت را پیشه کرده و سیاستمداران و مدیران کلان کشور با عنایت به دستاوردهای علمی و تجربی جهانی و با نگاه جامعه‌شناختی و فلسفی، جامعه را اداره نمایند تا بلکه کشور ما نیز دوران بلوغ و بالندگی خود را تجربه نماید.

کلمه جامعه در وجود خود مفهوم جمع بودن و زندگی اجتماعی و ده ها مفهوم معنوی دیگر را مستتر دارد. اما شاید بارزترین وجه آن تعدد و تکثر باشد. بنابر این خصوصیت بارز، جای دارد که نگاه عدالت گرانه ای نسبت به خواست تک تک افراد جامعه داشته باشیم. همانگونه که جامعه متشکل از افرادی با چهره‌ها و رنگ‌ها و اندام‌ها و قد و قامت متفاوت هستیم به همان میزان نیز به لحاظ فکری و خواسته‌ها و ارزش‌های شخصی متکثر هستیم. لیکن با وجود همه این افتراقات و تفاوت‌ها، همان افراد در گروه‌ها و مجموعه‌های متنوعی باهم همکار، هم دین، هم مسلک، هم زبان و ... هستند و لاجرم خواسته‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای گروهی نیز به آن اضافه می گردد. در مقیاس بالاتر، ارزش‌ها و هنجارهای ملی، خواسته ملی را می طلبد.

همین مقدمه کافیت که ما بخواهیم تنوع سلیقه‌ها و در کنار آن هم گرایی مختلف را به رسمیت بشناسیم که شاید بتوانیم در بعد جامعه شناختی نیز وحدت در کثرت و کثرت در عین وحدت را از فلسفه وام بگیریم. و البته همین تعیین کننده اصول زندگی اجتماعی است. به رسمیت شناختن تمام تفاوت‌ها و تلاش در همگرایی برای وحدتی خدشه ناپذیر در چهار چوب یک کشور بزرگ.

تک صدایی و تک حزبی از طرف حاکمیت مسئله نکوهیده و فاقد مشروعیت سیاسی قلمداد می شود

اما مسئله بسیار ظریفی اینجا حاکم است. بعنوان مثال اگر ما، مثال کلیشه ای ساعت را در نظر بگیریم. همانگونه که تمامی چرخ دنده ها و پیچ مهره ها و مهره لنگ ها به تنهایی حائز اهمیت هستند. اما موجودیت کلی آنها نیز به عنوان مجموعه به هم پیوسته دارای ارزش و اعتبار غیر قابل انکار هستند. جامعه نیز به همین صورت است همانگونه که تک تک افراد دارای ارزش و اهمیت فوق العاده ای هستند بخاطر همین نیز جامعه شناسان بزرگ و سیاستمداران معقول همواره بر حقوق برابر انسانها تاکید می کنند، مسئله ای که ضمن به رسمیت شناختن و اعتبار بخشیدن به حقوق فردی، آن شخص را در قبال جامعه خود مسئول و علاقمند و دلسوز می کند و لاجرم تک تک افراد جامعه همگرایی و همکاری سیستماتیک را رقم می زنند.

پیر و همین مسئله بسیار مهم است که در حاکمیت مدرن و حاکمیت مبتنی بر عقلانیت، تک صدایی و تک حزبی از طرف حاکمیت مسئله نکوهیده و فاقد مشروعیت سیاسی قلمداد می شود تا همه آحاد جامعه در پیشبرد و راهبری اجتماع خود ایفای نقش نمایند و خود را متعلق به آن جامعه بدانند بدون اینکه برای این تعلق خاطر در خواستی از طرف حاکمیت مطرح شده باشد. یعنی وفای و همگرایی به صورت کاملاً طبیعی اتفاق می افتد دقیقاً مثل جوامع و کشورهای قدیمی.

اما مسئله فقط مربوط به سیاست و حقوق سیاسی افراد نیست بلکه عدالت اجتماعی، فرصت‌های برابر اقتصادی و همسانی فرهنگی نیز به همان اندازه ارزشمند است. شاید به جرات بتوانیم بگوییم فارغ از چند کشور بسیار کوچک، تقریباً کشوری در این جهان وجود ندارد (به جز ژاپن) که افراد آن دارای یک زبان و فرهنگ واحد باشند، چرا که اساساً مرزهای



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



گزارش



گزارشی از دو قرن تاریخ فمینیسم



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com



بخش نخست: موج اول جنبش زنان

یکی از جنجال برانگیزترین جنبش‌هایی که تاریخ به خود دیده است و توانسته زندگی زن‌ها را در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی در کشورهای مختلف، به میزان مختلفی تغییر دهد و باعث بهبود آنها شود، همانا جنبش فمینیسم است. فمینیسم چه به عنوان یک جنبش اجتماعی و چه به عنوان مجموعه اندیشه‌هایی که به چنین جنبشی مشروعیت می‌بخشد، نمونه‌ای از یک جنبش اجتماعی است که عامل مهم شکل‌گیری آن جنسیت است. همچنین نابرابری مبتنی بر جنس، تنها موردی است که در آن نمایندگان گروه‌های نابرابر در این اجتماع با هم صمیمانه‌تر هستند. شاید تصور خیلی از افراد بر این باور باشد که جنبش فمینیسم از زمانی شروع می‌شود که زن‌ها به دنبال حق رای برای خود بوده‌اند. این دیدگاه از منظر رسمیت یافتن شکل جنبش صحیح می‌باشد و یا اینکه بگوییم که صدای آنان به گوش جامعه رسیده است، اما در واقع فمینیسم خیلی قبل‌تر از این، قبل‌تر از قرن ۱۹، در قرن ۱۸ شروع شده است. ظهور ایده‌های عصر تجدد و روشنگری، خواه آن را زمینه‌ساز سرمایه‌داری بدانیم و یا ناشی از الزامات آن، به معنی گسستن از گذشته بود و این باعث شد تا آن چه را تاریخ به عنوان سرشت زن، طبیعت زنانه، فرودستی او، اقتدار مرد، الگوی زن خوب و... بر آن اصرار شده است را دیگر بدون چون و چرا نپذیرد. انقلاب آمریکا و فرانسه و تحول دینی در عصر مدرن، یعنی

اصلاحات مذهبی و ظهور پروتستانتیسم در نفی اقتدار و سلسله مراتب بود و به افراد به عنوان انسان‌هایی که اعم از زن یا مرد، روح‌های برابری دارند تاکید می‌کرد.

از بین افرادی که نظریه‌های فمینیستی می‌دادند، "مری وولستون کرافت"، نویسنده و فیلسوف قرن ۱۸ از موثرترین افراد بود. در کتاب دفاع از حقوق زنان که نخستین بیانیه فمینیستی به زبان انگلیسی تلقی می‌شد و آن را معمولاً نقطه آغازین این اندیشه می‌دانند یا حتی از آن به عنوان انجیل فمینیسم یاد می‌کنند، نظر او درباره حقوق زنان کاملاً بر مبنای اصطلاحات آزادیخواهانه برابری و حقوق طبیعی بنا شده است. این کتاب‌ها، جزء اولین کتاب‌های فمینیستی به شمار می‌آمد و در این کتاب او کسانی که معتقدند زن‌ها نباید تحصیلات برابری با مردها داشته باشند را نقد می‌کند و می‌گوید که اگر زن‌ها بتوانند تسهیلات برابری با مردها داشته باشند، برای جامعه خوب خواهد بود. در ادامه از این که می‌توانند کمک حال همسرانشان در فعالیت‌های اجتماعی باشند و نیز مادر بهتری برای فرزندانشان می‌گویند. همچنین ایشان "ادموند برک" را به عنوان یک نویسنده محافظه کار انگلیسی به دلیل برداشت ابزاری از زن به عنوان نماد نیاز مردان، به یک ایده آل زنانه و عقلایی تلقی نکردن محکوم می‌کند. وی همچنین روسو را به دلیل برداشتش از سرشت فروتر زن به شدت مورد نقد قرار می‌دهد و تاکید می‌کند که همه انسان‌ها ذاتاً موجوداتی خردورز هستند که وارث



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

برخی حقوق می باشند، منجمله حق برابر نسبت به آزادی.

از مری وولستون کرافت که بگذریم می رسیم به یک جامعه شناس زن در قرن ۱۸ به نام "هریت مارتینو" که به نوعی اولین جامعه شناس زن و فمینیست شناخته می شد. هریت در کتاب های خود که حدوداً ۳۵ کتاب بودند و نیز مقالات خود، از دیدگاه زنانه به جامعه و مشکلات و مسائل نگاه می کند و در کتاب ها، خیلی به این نکته اشاره داشته است، که زن ها یک کالای زینتی نیستند. کتاب انقیاد زنان نوشته "جان استوارت میل" به این اشاره می کند که زن ها بیشتر در آن قرن یک سری موجودات احساساتی و غش کننده بودند و مردها زن ها را به سمت و سویی سوق می دادند که زن ها چنین حالاتی رو به خود بگیرند. هریت هم در کتابش این دیدگاه رو نقد می کند و می گوید چرا از زن ها انتظار دارید که براساس معیارهای سنتی شما باشند و به حقوق خود واقف نباشند و

موج اول فمینیسم در واقع موجی بود که باعث شد زن ها حق رای را

بدست بیاورند

مارگارت هم در مورد هریت می گوید که او یک مدرس و در واقع یک سیاستمدار مادرزادی بود و به طور منحصر به فردی بهتر از مردها و زنان هم عصر خود تحت تاثیر جنسیت خود بوده است و در مقالاتی که منتشر کرده است و کتاب هایی که نوشته است، برای اولین بار، جامعه شناسی فمینیستی رو وارد کرده اند. هریت در یکی از کتاب هایش حرف جالبی می زند و می گوید که: "تصور کنید آیا وقتی مردان از آزادی خود خوشنود و راضی هستند، این رضایت ظلمی در حق زنان مطیع نیست؟" در واقع تاکید بر تبعیضات جنسیتی رو دارد که در عصر خود، نکته بسیار جالبی است. شخص بعدی که در واقع موج اول جنبش های فمینیستی شکل گرفته بود و از جنسیت و زن بودن و زنانگی و آن گونه که زن ها باید باشند، صحبت می کرده است "سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم" می باشند. در واقع سیمون دوبووار زنانگی را نقد می کند و یک جمله معروف دارند که "زن،

زن زاده نمی شود بلکه زن می شود".

اما تلاش همه این افراد، همه این زن ها حتی شخصی مثل جان استوارت که مرد بود ولی تلاش می کرد که معقوله جنسیت را وارد بحث جامعه شناسی و سیاست کند یا هر چیز دیگری که به زن ها هم توجه بشود و حتی از تجربیات زن ها هم استفاده شود، به نوعی خواهان این بودند که به زنان هم بیشتر بهاد دهند، اما تلاش های آنان تا پایان سال ۱۹۶۰ چندان موفق نبود.

موج اول فمینیسم در واقع موجی بود که باعث شد زن ها حق رای را بدست بیاورند. اما این که چه عواملی باعث موفقیت این موج شد، جای بحث دارد. جنبش فمینیسم در موج اول اینگونه شکل گرفته است، که یک جنبشی به اسم الغای بردگی که سیاه پوست ها اذعان داشتند که آدم های رنگین پوست که ما هستیم با آدم های سفید پوست باید حقوق برابر داشته باشیم و این جنبش یکی از جنبش هایی بود، که به آزادی افراد سیاه پوست منجر شده است و نکته جالب این جنبش این بود که افراد در یک مکانی جمع می شدند تادر مورد موضوع برده داری صحبت کنند و در آن مجمع یا کنفرانس یا هر چیزی که بود، اجازه ورود به زن ها، نمی دادند، ولی به حرف خیلی جالبی هست که می گوید: "اگر می خواهید یک صدایی بالا برود یا یک جنبشی شکل بگیرد افراد را محروم کنید" و زن ها وقتی این محرومیت را می دیدند می گفتند که ما هم انسانیم، ما هم باید در مجمع مربوط به سیاه پوست ها شرکت نماییم، چرا باید فقط مردها حق شرکت داشته باشند. اگر شما از آزادی مردها دارید صحبت می کنید و از حق طبیعی می گوید، ما زن ها هم باید این حق طبیعی را داشته باشیم و احتمال قوی در همین زمان ها سرمنشاین جنبش های زنانه خیلی محکم تر شکل می گیرد و یک حالت رسمی به خود می گیرد. در جنبش الغای بردگی رهبر سیاه پوستان "فردریک داگلاس" هم درباره این موضوع صحبت کرده است که زن ها هم با مردها برابرند و در یک مقاله ای می نویسد که ما اعتقاد خود را در مورد این بیان می کنیم که همه حقوق سیاسی که اعمال آن برای مردها جایز است، برای زنان نیز جایز باشد، همه این ویژگی هایی که مرد را به عنوان مجری خردمند و مسئول متمایز می سازد در مورد زن نیز صدق می کند. آموزه ما این است که حق جنس ندارد. در آن زمان زن ها اجازه نداشتند در محافل عمومی سخنرانی کنند یا اموری را پیگیری نمایند. اما با توجه به اتفاقی که در جنبش الغای بردگی رخ داد آن ها یک مجلسی را تشکیل دادند و در آن زن ها راه ندادند و این خشم زن ها را برافروخت و خود زنان یک مجلسی را





تشکیل دادند به نام "سنگافالز" و زنان سرشناس آن دوره دعوت شدند و در مورد مسائل زنان صحبت کردند. این مسائل یک طیف گسترده‌ای را شامل می‌شد، از بحث ازدواج خانواده گرفته تا بحث‌های دینی اخلاقی، نقش زنان در اجتماع

و... و این انجمن مطالبات اصلی‌اش در کنار این جنبش الغای بردگی این بود که اصلاحات حقوقی، اصلاحات لباس و اصلاحات مذهبی و ... داشته باشد خصوصا اصلاحات حقوقی در باب ازدواج چرا که در آن زمان اگر زنی که ازدواج کرده بود و می‌خواست طلاق بگیرد حتما باید یک دلیل خیلی موجهی می‌داشت، یعنی همسرش حتما یک مشکل خیلی جدی می‌داشت تا بتواند طلاق بگیرد و گرنه نمی‌توانست. زن‌ها اصلاحات سیاسی می‌خواستند که مهم‌ترین آن دسترسی به حق رای بود، نقد به اصلاحات لباس داشتند که موفق نشدند، نقد خانواده و ازدواج داشتند، طرح برداشت‌های جدید از دین خود که زنان را موجودی اغواگر و خطا کار می‌دید و از سوی دیگر انقیاد مطلق او به مرد را به عنوان تکلیف دینی والهی می‌دانست. اگر چه در تشکیلات مختلف در راه منع مشروبات الکلی، الغای بردگی و ارائه خدمات در جنگ داخلی و یادر باشگاه‌های سنتی، زنان فعال بودند اما این جنبش آنان به صورت یک تشکیلات سازمان یافته نبود و حق رای نداشتند اما حق انتقال مطالبات خود به افکار عمومی و مراجع سیاسی و یا تغییر عقاید مردم و مقامات مسئول را داشتند.

از سال ۱۹۲۰ یعنی بعد از جنبش اول فمینیسم تا ۱۹۶۰ که در سازمان ملل از زنان و مطالبات-شان صحبت می‌شد، جنبش فمینیسم رو به افول می‌رود، یعنی سیر نزولی داشته است و از آن شور و انرژی که داشته است و نیز از پیش‌رو بودن افول می‌کند. البته نه به این معنا که هیچ جنبش و انجمن زنان دیگری نبوده است، بلکه فعالیت‌هایی بوده و کارهایی انجام می‌دادند اما تا سال ۱۹۶۰ خیلی جدی گرفته نمی‌شد و اهدافی را که دنبال می‌کردند، شاید خیلی اهداف مقطعی و کوچکی بوده است و تأثیرات خیلی جزئی در جامعه می‌گذاشته است. یک مساله دیگر که در این خصوص باید به آن اشاره کرد، دقیقا در بازه زمانی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ زمانی که این جنبش فمینیست و افرادی که در آن فعالیت می‌کردند، منفعل تر می‌شدند و افراد هم پراکنده تر میشدند، گروه‌هایی کوچکتری را شکل می‌دادند، اهداف مختلف و رویکردهای خاص خود را در نظر داشتند و حتی گاهی هم این رویکردها و اهداف با هم متعارض بوده و عقاید هم در آن متفاوت بوده است. خود این موضوع هم یکی از موضوعاتی است که منجر به افول فمینیست در آن دوران شده بود.

بخش دوم: موج دوم جنبش زنان

مجمع عمومی سازمان ملل سال ۱۹۷۵ را سال جهانی زن و فاصله سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را دهه زنان، برابری، توسعه و صلح نامگذاری می‌کند. در سال ۱۹۸۰ در کنینهاگ قطعنامه‌ای برای کنفرانس جهانی زن تدارک دیدند که تاکید بر وضعیت اشتغال، بهداشت و آموزش زنان داشته است. در سال ۱۹۸۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، شکل می‌گیرد و کشورهای عضو جامعه ملل هم برای توسعه کشورهای خود مجبور به پیوستن به این کنوانسیون می‌شدند. تمام این اتفاقاتی که در این دهه یعنی از ۱۹۶۰ یا ۱۹۸۵ یا ۱۹۹۰ رخ می‌دهد باعث می‌شود که افراد، سازمان‌ها و کشورهای مختلف به اهمیت این موضوع پی ببرند که جایگاه زنان چقدر مهم است، که ما از مقوله جنسیت به این مسائل نگاه کنیم و نظریات فمینیستی را وارد هر شاخه از علوم که به جامعه‌شناسی مربوط می‌شود را وارد کنیم و همه این‌ها باعث شد که رشته‌ای به اسم مطالعات زنان شکل بگیرد.

از دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰ موج دوم فمینیست شروع می‌شود که در این دوره "بتی فریدان" جزء یکی از بنیانگذاران موج دوم فمینیستی به شمار می‌آیند و کتاب "رمز و راز زنانه" که به مسائل خصوصی زنان، خصوصا در داخل خانواده مساله افسردگی پنهان، اضطراب پنهان و امثال آن اشاره

آموزه ما این است که حق جنس ندارد

در نهایت بعد از مبارزه‌های زیادی که زنان داشتند باعث شد که بعد از پایان جنگ داخلی حق رای را به دست بیاورند و همراستا با آن یک سری از اصطلاحات قانونی را هم به سرانجام برسانند. و این همان موقعی بود که گفتند جنبش‌های زنان به یک جنبش پایدار تبدیل شده است و توانسته است برای زن‌ها نتیجه بخش باشد. آن چیزی که خیلی مهم تلقی می‌شود این است که زن‌ها بعد از مبارزات طولانی موفق شدند تا حق رای را بگیرند و بعد آن نیز یک سری اصلاحات قانونی را داشته باشند، اما توجه به مولفه‌های تأثیرگذار در این دوره که باید به آن توجه داشته باشیم، نقش سرمایه داری، لیبرالیسم و جنبش الغای بردگی است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

کرده‌اند را نوشته است. این کتاب خود باعث شکل‌گیری انجمن ملی زنان آمریکا می‌شود و اهدافی را هم پیگیر بود که شامل: تغییر قانون یا تغییر حقوق زنان در نهاد خانواده و ... می‌شد، اما این اهداف خیلی جزئی بودند و توان این را نداشت که بتواند یک موج و جنبش پایدار رو شکل بدهد. یکی از مسائلی که باید به آن پرداخته شود این است که چرا با این که سازمان ملل اذعان داشت که باید به بهداشت و آموزش زنان و تبعیضات علیه زنان توجه شود، چرا نخواست که همان زمان، زنان یک حقوق برابری با مردان داشته باشند. چه عواملی باعث شد که این اتفاق رخ ندهد. طبیعتاً در هر جنبشی یک سری افراد محافظه کار هستند، یک سری نهادهای محافظه کار هستند که مخالف آن جنبش و اهداف آن هستند. در زمینه فمینیسم هم این چیز پنهانی نبود و وجود داشت. سه مشکل باعث شد تا زن به برابری که مدنظر آنها بود در این دهه‌ها و در موج اول و دوم فمینیسم نرسند:

نظام‌های سرمایه‌داری در ظاهر مدعی بودند که ما به فکر آزادی زن‌ها و مستقل شدن آن‌ها هستیم و می‌خواهیم زن و مرد برابر باشند، اما در نهان دنبال نیروی کار ارزان بودند

یکی رسانه‌ها بودند که سعی در مخدوش کردن چهره جنبش‌های زنانه داشتند و تعریف‌های سخیف و تنگ‌نظرانه از جنبش‌های زنانه می‌داند مثلاً یکی از چیزهایی که به جنبش‌های زنان یا جنبش‌های فمینیستی اطلاق می‌کردند هرزه‌نگاری این جنبش‌ها بوده است و یا دادن چهره‌های مردانه به این جنبش‌ها.

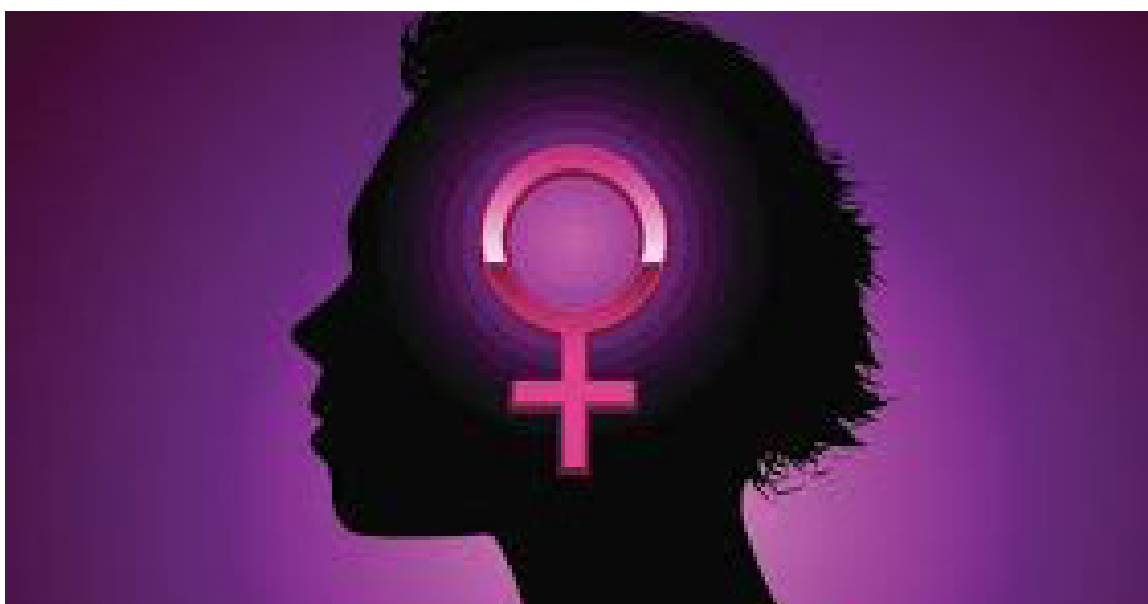
مورد دوم که خیلی قابل توجه است، دانشگاه‌ها و تلاش‌هایی که برای مخدوش کردن جنبش‌های زنان داشتند و تلاش‌هایی که برای بی‌اثر کردن جنبش‌های زنان بوده است و در واقع اصطلاحاتی می‌آوردند که جنبش‌های فمینیستی چقدر آثار مخرب و اشتباهی می‌توانسته داشته باشند. از آن جایی که دانشگاه یک مسند علمی به شمار می‌رود بنابراین خیلی تاثیر مهمی

داشته است و توانسته بود در آن زمان جنبش‌های زنان رویی اثر کند. مورد سوم اما تجارت جهانی است که در واقع در دهه ۱۹۷۰ منجر به وخامت اوضاع زنان شده است. سرمایه‌داری باعث شد که زن‌ها از محیط خانه بیرون بیایند و این که ایدئولوژی خانه‌نشینی یا همان آموزه ویکتوریایی که شعارش تجلیل از نقش خانگی زن و تاکید بر جدایی قلمروهای زنان و مردان بود را شکست دهند، اما وقتی وارد اجتماع شدند و به محل کار رفتند، یا منشی بودند یا شغل‌هایی که سمت‌های خیلی پائینی داشتند و جای پیشرفت نداشت و حقوق آنها پائین بود.

نظام‌های سرمایه‌داری در ظاهر مدعی بودند که ما به فکر آزادی زن‌ها و مستقل شدن آن‌ها هستیم و می‌خواهیم زن و مرد برابر باشند، اما در نهان دنبال نیروی کار ارزان بودند، چون دستمزد زن‌ها خیلی کمتر بود و در شغل‌هایی فعالیت می‌کردند که جای پیشرفت نداشت. مثلاً کسی که منشی بود، همیشه منشی می‌ماند یا کسی که کارگر کارخانه بود، همواره کارگر کارخانه می‌ماند و از طرفی با کمک ایدئولوژی خانه‌نشینی هرگاه که نیاز به نیروی کار نبود آنان را به سمت خانه می‌راندند یا وقتی صحبت از دستمزد بود با استفاده از همین ایدئولوژی که کار زن صرفاً کمک موقت برای خانواده یا پول توجیبی است، خود را توجیه می‌کردند. زن‌ها هم با درآمد پائین‌تر برای اینکه بتوانند خودشان را اثبات کنند و مستقل باشند حاضر بودند در شغل‌هایی که درآمد آنها از مردها کمتر بود فعالیت کنند. در سال ۱۹۸۵ در کنفرانس جهانی زن، آسیب‌های ناشی از اقتصاد جهانی را مطرح می‌کنند که بیشتر از همه مربوط به زن‌ها می‌شده است، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه نشان داده شده است که این روند ستم و تبعیض کماکان روی زن‌ها وجود داشته است و حتی باعث شده که اوضاع زن‌ها رو به وخامت برود.

بخش سوم: موج سوم جنبش زنان

بعد از موج اول و موج دوم فمینیسم می‌رسیم به موج سوم فمینیسم که هم اکنون شاید گفت مادر آن قرار داریم. اما این موج سوم با موج‌های اول و دوم خیلی متفاوت است و قضیه از این جا شروع می‌شود که فمینیست‌ها یک بررسی کردند و متوجه شدند که تغییراتی را که برای آنها مهم بوده است را در جامعه به آن نرسیده‌اند. مثلاً اینکه تلاش‌شان باعث آگاهی زن‌ها شد. اما آن گونه که باید در زندگی زنان تاثیر گذار باشد موثر واقع نشده است یا منجر به تغییر قانون شدند اما توان تغییر در هنجارهای اجتماعی را نداشتند. این دقیقاً همان شناسایی گلوگاه بود که فمینیست‌ها متوجه شدند که



یا اشکال را به فمینیسم وارد می-کنند که فمینیسم حتی یک تعریف واحد هم ندارد و در مورد برابری زن و مرد صحبت می کند، اما هیچ زیرشاخه‌ای برای تشخیص درست این موضوع که چه چیزی فمینیسم تعریف می شود و چه چیزی فمینیسم تعریف نمی شود را ندارد و باید گفت که این موضوع مهمی نیست زیرا این جنبش، یک جنبش تجربی است و براساس تجربیات زنان پی‌ریزی می شود و به همین دلیل دیدگاه‌ها و مطالبات متفاوت است. در مورد موج سوم فمینیسم باور دارند که موج سوم فمینیسم عمر طولانی ندارد و عمرش خیلی زود به اتمام می رسد و از آن جایی که روند مشخصی هم ندارد نمی توان پیش بینی کرد که این موج به کجا خواهد رسید، مثلاً در موج اول اهداف کاملاً مشخص بود، زن‌ها حق رای می خواستند، آزادی برای انتخاب لباس می خواستند، می خواستند که در ازدواج حق و حقوق بیشتری داشته باشند اما موج سوم فمینیسم این گونه نیست. نه این که اصلاً موفق نباشد بلکه بدلیل نداشتن روند مشخصی ممکن است که عمرش کوتاه باشد.

باید شروع کنند و به یک سری مسائل مهمتر بپردازند و یکی از مسائل تغییر دیدگاه‌های مردم و همچنین هنجارهای اجتماعی بود و درواقع موج سوم فمینیسم تلاش برای تغییر فرهنگ دارد و بر قانون متمرکز شده است و یا مثلاً روی مسائل حقوقی. پس موج سوم فمینیسم اهدافش تاثیر گذاری بر روی فرهنگ، هنجارها، گفتارها و گفتمان‌ها و همچنین زبان می باشد. نکته حائز اهمیت که در موج سوم فمینیسم خیلی مهم است شاهدهیم که هر داستانی که مربوط به زنان، زنانگی و نفی زنانگی می باشد، با داستان‌های مختلف، همه خود را داخل فمینیسم می دانند و از یک ایدئولوژی پیروی می کنند که اسم آن را فمینیسم می نامند و امروزه فمینیسم مدل‌های مختلفی دارد.

درواقع موج سوم فمینیسم تلاش برای تغییر فرهنگ دارد و بر قانون

متمرکز شده است

این جنبش، یک جنبش تجربی است و براساس تجربیات زنان پی‌ریزی

می شود

نتیجه گیری :

به نظر می رسد که برخی تحولات مانند تحولات جهانی شدن، تحول در زمان و مکان، امکانات ارتباطاتی و از میان رفتن مرزهای اطلاعاتی و... بتواند باعث دگرگونی در فمینیسم شود و این تحول به معنی جهانی شدن گفتمان فمینیسم باشد. البته همانطور که درجهانی شدن پدیده‌های دیگر نگرانی وجود دارد در مورد فمینیسم هم این نگرانی وجود دارد که به عنوان یک گفتمان هژمونیک آمریکایی بروز یابد.

چرا این گونه شده است؟ باید واقف به این باشیم که فمینیسم در واقع یک جنبش تجربی و براساس تجربیات زنان می باشد و زنان مختلف با تجربیات مختلف تجربیات خود را بیان می کنند و ظلم و ستم‌هایی که بر آن‌ها روا شده است و تبعیض‌ها و فشارهای روانی که داشتند و... باعث شده است تا زن‌ها گروه‌هایی را تشکیل می دهند و هر کدام به دنبال یک منافع مشخص حرکت می کنند و گاهی اوقات این منافع ممکن است با هم در تضاد باشد. یکی از دلایلی که شاید موج سوم آن گونه که باید قدرتمند باشد و در عمل هم موفق نبوده است این است که یک جنبش کثرت گراست و زن‌ها با تجربیات مختلف به دنبال اهداف مختلف هستند تا به آن برابری که جزء مطالباتشان هست برسند. علت این است که زن‌ها از قومیت‌ها و نژادهای مختلف، از سطح تحصیلات مختلف، از دین‌های مختلف می باشند و هر کدام از ایشان با توجه به جامعه‌ای که در آن بزرگ شدند و زندگی می کنند اولویت‌ها و مسائلشان متفاوت است و همین امر موجب شده است که اهدافی را که فمینیست‌ها پیگیر هستند متفاوت باشد. شاید این نقد یا ایراد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

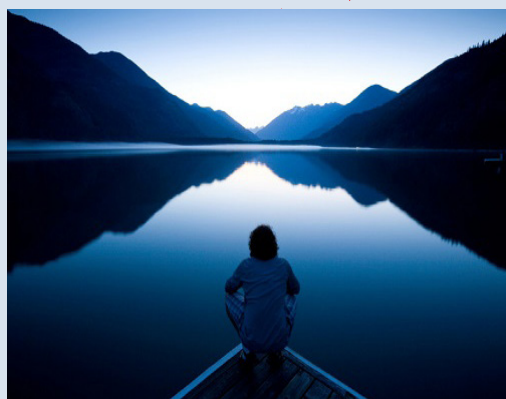
شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲





اندیشه



نقد کتاب "دیگر دوستی مؤثر" نوشته‌ی پیترو سینگر

در نظر التقاط، در عمل الطفات



کاظم طبیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

و رکود مواجه خواهد کرد چنانکه هم اکنون نیز، این جنبش به توفیقات چندانی، چنانکه انتظار می‌رفت دست نیافته است.

کتاب "دیگر دوستی مؤثر" اثر پیترو سینگر، فیلسوف نامدار امروز گارمان، اگر چه در پی هدفی مقدس، والا و انسانی است ولیکن فقط می‌توان آنرا در حد یک جنبش و حرکت اجتماعی دانست و البته تحسین نمود و نه در حد یک مکتب فکری و فلسفی.

به گمان صاحب این قلم، اصلی‌ترین نقدی که می‌توان بر سینگر با عطف توجه به کتاب مورد اشاره وی وارد دانست، تفکر و عمل التقاطی وی است. اگر چه در بدو امر وی را فایده‌گرا می‌شناسیم، اما آنچه وی در این کتاب و بخصوص در حمایت از جنبش دیگر دوستی مؤثر ابراز داشته جز تفکر و فلسفه ای التقاطی نیست. التقاطی از مکاتب اخلاقی گوناگون، از وظیفه‌گرایی و عمل‌گرایی تا حتی اخلاق مبتنی بر امر الهی.

واضح است که خاستگاه فکری سینگر فایده‌گرایی ست و خود وی این تمایل را کتمان نمی‌کند ولی او نه تلاشی در دفاع از مکتب مطلوب خود نموده و نه سعی کرده اشکالات وارد بر آن را رفع نماید.

در سراسر کتاب از نمونه‌هایی نام برده که هر کدام با برداشتی از سلیقه‌ها و مکاتب فکری و اخلاقی سازگارند و نه لزوماً فایده‌گرایی. گویا سینگر در ذیل جنبش دیگر دوستی مؤثر سعی کرده از مناقشات فکری شانه خالی کرده و تنها معطوف به یک هدف مشخص همه تفکرات اخلاقی را ذیل آن غایت گرد هم آورد.

او هیچ تلاشی در تعریف مفاهیم اساسی مورد نظر جنبش نداشته و مشخص نیست مراد وی و جنبش دیگر دوستی مؤثر از کلیدی‌ترین مفهوم مورد نظرشان یعنی مفهوم "خیر" چیست. او مصداق‌هایی را تشریح کرده و در پرتو آنها یک تعریف حداقلی از "خیر" ارائه کرده است. به نظر می‌رسد وی

کتاب "دیگر دوستی مؤثر" نوشته پیترو سینگر، فیلسوف اخلاق نام آشنا که با نام فرعی "رساندن بیشترین خیر چگونه فهم ما را از زندگی اخلاقی تغییر می‌دهد" و با دو مقدمه از استاد مصطفی ملکیان و محمدرضا جلالی پور، با ترجمه آرمین نیاکان، توسط نشر نی منتشر شده، مانیفستی ساده از حرکتی است که توسط سینگر و یارانش به راه افتاده.

انگیزه‌های زیبایی چون ریشه کنی فقر مطلق و گرسنگی، در سطح اجتماعی و حفظ توازن اخلاقی در سطح زندگی فردی، اصلی‌ترین دغدغه‌های این جنبش‌اند. به همین جهت، می‌توان گفت که جنبش "دیگر دوستی مؤثر" هم برای زندگی و تفکر شخصی، توصیه و برنامه دارد و هم برای تعالی و اصلاح اجتماع.

در وهله اول هدف این جریان ارائه روش زیست عقلانی‌ای مبتنی بر اخلاق است که آرامش فکری اشخاص را به ارمغان می‌آورد. "دیگر دوستی مؤثر" توصیه می‌کند که در ابتدا سطح نیاز خود از کسب درآمد را تعریف کرده و پس از آن با آرمان رفع فقر مطلق، محو گرسنگی و عدم دسترسی به اولین نیازهای زیستی فقرا، متعهد شویم که درصد مشخصی از درآمد سالانه خود را صرف این هدف نماییم. از این رو، در ابتدا می‌کوشد تا فواید چنین آرمان‌گرایی اخلاقی‌ای را برای مخاطب خود روشن سازد و نشان دهد که راهکاری برای زیست سالم و اخلاقی در بر دارد.

پس از این مرحله است که سینگر و "دیگر دوستان مؤثر" به ساختار سازی و نهادسازی مبادرت کرده، تلاش می‌کنند تا در سطح اجتماعی و بین‌المللی تأثیر گذار باشند.

چنانکه از همین مقدمه کوتاه از فحوای کتاب پیداست، دو رویه نظری و عملی جنبش در کتاب مذکور شرح داده شده اما گمان می‌رود در هر دو زمینه دارای نواقص جدی‌ای است که دیر یا زود این جنبش را با چالش



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

”خیر“ مورد نظر خود را رفع اساسی ترین نیازهای انسانی از جمله خوراک و پوشاک و مسکن می داند ولی در ادامه و در مصداقهای دیگری که عرضه کرده پا را فراتر نهاده، خیریه ها و افراد خیری را در زمره دیگر دوستان مؤثر وارد نموده است که دغدغه آنها نیازهایی بسیار فراتر و تجملاتی تر از نیازهای اساسی انسان است مانند نمونه هایی که در حمایت از حیوانات یا موردی که در رفع بیماریهای باروری ذکر می کند.

از همین روست که به نظر می رسد سینگر هر گونه تفکر فلسفی را که تامین کننده هدف مورد نظرش بوده باشد را ذیل این جنبش فراهم آورده است. اما مشکل به همین جا ختم نمی شود چرا که التقاطی بودن یک تفکر به خودی خود و فی نفسه نقص نیست. نقص اساسی این جنبش آنجاست که هدف خدا را تبیین نکرده و تلاشی هم برای انجام آن ننموده است. او در بسیاری از مقاطع مختلف کتاب فقط و فقط به بهانه اینکه بحث در تمیز موارد اساسی و خیرات بارز دشوار و مناقشه برانگیز است، از ارائه پاسخ شانه خالی کرده و جهت تحدید مقصود خود به سراغ مثالهایی رفته که تمایز میان موارد بدیهی و در دسترس است. مانند مقایسه مقدار خیر کمک به موزه با کمک به گرسنگان.

می باید بر این نکته این را بیافزاییم که سینگر مانند اسلاف فایده گریش در بند سنجشهای کمی به دام افتاده در حالیکه چنین محاسبه ای در برآورد امری چون ”خیر“ قطعاً غیر ممکن است.

این نوع نگاه به انسان و اخلاقی زیستن وی که در آن دیگری را به رسمیت شناخته و حتی بر خود رجحان دهیم ریشه در دین و فرهنگ مسیحیت داشته است

البته نباید از این مطلب به سادگی گذشت که چنین تلاشی در حد و مقیاس جنبش دیگر دوستی مؤثر چنانچه توفیق یابد و از درد و رنج بشریت بکاهد تحسین برانگیز و بلکه شایسته تقدیس است ولیکن فقدان مبنای نظری و فلسفی منسجم تداوم این امر را دچار مشکل خواهد کرد. به نظرم آنچه از جنبش دیگر دوستی مؤثر و البته این کتاب عملیاتی و مفید است، همانا ترویج روحیه قناعت و به تعبیر من اپیکوری/رواقی گرایی است. اگر به این کمینه بسنده کنیم و به ترویج گرایش به حذف زواید و تجملات از زندگی با هدف انجام عمل اخلاقی بسنده نماییم، این جنبش و آموزه این کتاب قابل دفاع خواهد بود اگر در آن صورت اتفاق نو و بدیهی نیفتاده و تنها نوعی اپیکوری/رواقی گرایی اخلاقی بوجود آمده است.

اما علاوه بر این نقد معطوف به عمل، می توانیم به نقد ریشه شناسانه و پدیدارشناسانه این جنبش نیز نظری بیفکنیم یعنی بکوشیم ریشه های فرهنگی و اجتماعی چنین جنبشی را هویدا سازیم. به زعم من همانگونه که سینگر از آمبروز نقل کرده، این نوع نگاه به انسان و اخلاقی زیستن وی که در آن دیگری را به رسمیت شناخته و حتی بر خود رجحان دهیم ریشه در دین و فرهنگ مسیحیت داشته که اینک از ایشان معروف است که ”گونه دیگر خود را به سیلی زنده عرضه کن“. علاوه بر اینکه چنین رویه و نگاهی در فرهنگمان وجود نداشته و ندارد، باید توجه داشت باشیم که ساختار اجتماعی فرهنگی و حتی نظام سیاسی امروز ایران چنان نهاد سازیهایی امثال ”جنبش دیگر دوستی مؤثر“ را هرگز بر نخواهد تافت. اما دو نکته و نقد دیگر نیز به گمان من می توان بر این جنبش وارد دانست. اول نگاه ابزار گرایانه به انسان و دوم تبدیل جنبش به نقیض خودش.

توصیه ها و مصداقهای مورد تایید کتاب تا بدانجا می رسند که اهدای عضوی از بدن یا بیشتر دارایی را به نیازمندان روا میدارند گرچه در تبیین علت آن توصیه، سعی می نمایند کسب لذت های بالاتر را در اثر اینگونه اهداء ها شرح دهند ولی به هر روی تلاش بر این است که اثبات نمایند خود شخص دیگر دوست نیز از این عمل منتفع می گردد و به سود خود او نیز هست. بنا بر این جنبش دیگر دوستی و فلسفه اخلاق پشتوانه آن نتوانسته به کمالگرایی و منفعت طلبی انسان بی اعتنا بوده باشد اما سخن اینجاست که علی الاصول طبق قاعده زرین اخلاق می باید هر آنچه بر خود روا می داریم/نمی داریم برای دیگری نیز روا بداریم/مداریم. حالا چگونه در این منش و کنش اخلاقی که نام دیگر دوستی بر خود دارد، لذت معنوی را بر خود و لذت ارضاء نیاز مادی را برای دیگران بخواهیم و روا بداریم. به عبارت بهتر، همانگونه که طبق توصیه دیگر دوستان باید در خود و در نیات خود به حداقل داراییها اکتفا کنیم و حتی در حد داشتن بدن ناقص نیز به کمک به دیگران بپردازیم در حالیکه به ارتقاء زندگی و سلامت دیگری می اندیشیم!!! حتما ادعای برابری تمام بشر شامل خود شخص نیز می شود و او در ابتدا باید خویش را دوست داشته و بهترینها و خیرات را بر خود روا بدارد، نه اینکه به عنوان مثال برای تحقق سلامتی فرد دیگر سلامت خودش را از بین ببرد یا برای رفع فقر دیگران خود تا سطح ایشان تنزل دهد. از اینجاست که به نظرم ”دیگر دوستی“ به نقیض خودش تبدیل شده و در تلاش برای اهدای سلامتی و رفاه، رفاه و سلامتی یکی از ابناء بشر را که خود کمک کننده است را از وی سلب می نماید.

از دیگر سو، سینگر برای تعیین حد مقدار کمک و بخشش از اصل ”مطوبیت حاشیه ای“ استفاده کرده. ضمن اینکه این اصل با وجود ابهام درونی خود چندان راهگشا نیست، باعث و موجب اشکال دیگری می گردد. چنانچه بنا بر این اصل، بخشش انسانهای دیگر دوست را تا بدان حد که خود کمک کننده و خانواده وی ضرر نکنند روا و مجاز بدانیم، دچار چنان ابزار انگاری در مورد فرد شده ایم که حتی وجود و بقا وی را تنها به قصد کمک به دیگری و به جهت هدف و مطلوب تعیین شده خواسته ایم. بدیهی است که هر آموزه اخلاقی نسبت باید به تعالی مادی یا معنوی و یا هر دوی آنها حساس و فعال باشد و نمی توان آموزه یا آموزه ها و مکتب اخلاقی را ذیل اخلاق قرار داد که فاعل اخلاقی هیچ انگاشته و وی را فاعل هدف اخلاقی می نمایند. نمی توان اخلاقی را متصور شد که فاعل آن فقط ابزار غایات و اهداف کلی نظام اخلاقی باشد.

با اشاره به این نکته راه به خصیصه و بعد اشکال دیگری می بریم. این خصیصه ”جنبش دیگر دوستی مؤثر“ که در تلاش برای ساختن دنیای عاری از درد و رنج است ولو با فدا نمودن و ایثار افراد به وضوح اصالت را به اجتماع داده و نسبت به فردیت بشر سکوت می کند. این چنین اصل پنداشتن اجتماع با صرف نظر از فردیت انسانها نه عملی است و نه راهگشا. در رد اصالت اجتماع و در اثبات ابتناء اجتماع بر اصلیت فرد بسیار سخنها هست و می توان ارائه نمود اما در این مورد خاص یعنی جنبش دیگر دوستی مؤثر همین استدلال بس که خود این جنبش بدون اغناء فکری فرد در لزوم قناعت نمی تواند عمل بخشش و دیگر دوستی را محقق کند و برای اینکه عمل دیگر دوستی را توصیه نماید مجبور است در ابتدا روش زندگی که پیش از این اپیکوری/رواقی نامیده ام را تبیین و توصیه نماید. تا شخص به چشم پوشی از تجملات و زوائد زندگی نشود و بدان عمل نکند پیداست که تشریح و تبیین لزوم کمک به دیگران، چه نیازمندان دیده و چه ندیده ها کاری عبث خواهد بود.

در آخر، صرف نظر از این نواقص و اشکالات، چنانکه پر پیداست، ”جنبش دیگر دوستی مؤثر“ حرکتی مبارک و تحسین برانگیز، و در عین حال، چون هر تکاپوی عقل بشری نیازمند طی طریق تکامل است. باید این کتاب را خواند، نقدش کرد و ”دیگر دوستان مؤثر“ را در پیجویی چنان آرمان بلندی که در سر دارند یاری داد.

غذا دادن به گربه‌های خیابانی به نفع آن‌ها نیست



محمد مهدی احدیان

گربه‌های خیابانی عقیم شدند.

در آمریکا هر ناحیه قوانین خود را دارد اما مبحثی سراسری وجود دارد که کسی که به گربه‌ای بی صاحب غذا یا پناه می‌دهد تا چه حد حقوق و مسئولیت‌های قوانین نگهداری حیوانات متوجه او می‌شود؟ برخی از ایالات، قوانین «حیوانات وحشی» را بر گربه‌های ولگرد و غذا دهندگان به آنها اعمال می‌کنند و برخی مناطق، این حیوانات را ذیل قوانین «حیوانات اهلی» قرار داده‌اند و شخص غذا دهنده را متوجه این گروه از مسئولیت‌ها و وظایف می‌دانند اما به طور کلی از منظر اجتماعی غذا دادن به گربه‌های بی صاحب را ایده‌ای بد و عمدتاً غیر قانونی می‌دانند چرا که منجر به تکثیر آنها در شهر می‌شود که خود تهدیدی برای سلامت عمومی است زیرا آنها فاقد کنترل‌های بهداشتی هستند و می‌توانند ناقل بیماری‌ها باشند. گربه‌ها قلمروشان را دائماً با ادرار علامت‌گذاری کرده و صداهایی در فضای شهری تولید می‌کنند که برای برخی از افراد آزار دهنده است و فضولاتی تولید می‌کنند که برای مناطق مسکونی مشکل ساز و بیماری زا است. از سوی دیگر مردم، حتی با بهترین نیت، به گربه‌ها غذاهایی می‌دهند که نه فقط ارگانیک نیستند بلکه گاهی می‌توانند برای سلامت حیوان خطرناک باشند. همچنین به مکان‌هایی که به گربه‌ها غذا داده می‌شود گربه‌های بیشتری جذب شده و در آن حوالی پرسه زده و تکثیر می‌شوند و بیماری‌ها

غذا دادن به گربه‌های خیابانی ممکن است عملی موجه، مبتنی بر عواطف انسانی، از سر ترخم و یا عملی پیش پا افتاده به نظر برسد اما غذا دادن به پرندگان و حیوانات آزاد، در بسیاری از شهرهای جهان غیر قانونی است و داشتن حیوان خانگی یا غذا و پناه دادن به حیوانات بی صاحب، بلافاصله فرد را با مسئولیت فردی و اجتماعی مواجه می‌کند. امروزه وجود جمعیت گربه‌های خیابانی در شهرهای جهان دو عامل اصلی دارد که عبارت است از رهاسازی حیوانات خانگی و زادآوری گربه‌های خیابانی.

در بیشتر شهرهای آلمان وجود حیوان خیابانی معنا ندارد و در صورت مشاهده گربه خیابانی، آن حیوان انگل‌زدایی و عقیم شده و دور از محلات یا در پناهگاه نگهداری می‌شود. گربه‌های خانگی الزاماً باید دارای برگه پرداخت مالیات و بیمه و چیپ ردیابی باشند و مشخصات مالک و پرونده بهداشت و سلامت حیوان در آن ذخیره شده باشد. اگر کسی بخواهد گربه‌اش آزادانه در اطراف خانه گشت زند، مجبور به عقیم‌سازی گربه است و اگر کسی گربه‌اش را در خیابان رها کند بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰۰ یورو جریمه می‌شود. در سال ۲۰۱۰ انجمن حمایت از حیوانات شهر برمن آلمان تعداد ده هزار گربه خیابانی شناسایی کرد و آنها را سربار عمومی و خطری بزرگ توصیف کرد که پرندگان را شکار و تعقیب می‌کنند و بیماری‌ها را گسترش می‌دهند؛ لذا با تصمیم شورای شهر برمن همه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



اتومبیل ها تصادف می کنند، با این حال، زاد و ولدشان سریع است به طوری که یک گربه ماده و فرزندانش می توانند طی ۷ سال به تعداد چهار صد هزار گربه افزایش یابند.

در هلند سالانه تا ۱۴۰ میلیون حیوان توسط گربه های خانگی شکار می شود

گربه ها ذاتاً شکارچی هستند و همزمان با تغذیه در شهر، به شکار حیوانات شهر نیز می پردازند. با کمی دقت در زوایای معابر و ساختمان ها، به آسانی می توان بقایای پرندگان شکار شده توسط گربه های ساکن در شهرها را مشاهده کرد. با گسترش شهرهای ایران طی یک قرن اخیر، تعداد گربه های خیابانی ایران ده ها برابر قدیم شده است و همانطور که سگ های بی صاحب، طی دو دهه ی اخیر، تنوع و شمار حیات وحش حومه شهرها را تقریباً نابود کرده است، گربه های خیابانی نیز بی سر و صدا همپای گسترش شهر، زیاد و زیادتر می شوند. امروزه چنین به نظر می رسد که گویی گربه ها عناصری طبیعی در خیابان ها، کوچه ها، محلات و فضای شهرهای جدید و قدیم هستند در حالی که اینگونه نیست و گربه ها پیش از گسترش جدید شهرها و شهرک ها، به طور طبیعی در آن مکان ها ساکن نبوده اند. گربه ها نه فقط برای حیات وحش شهری به ویژه پرندگان، بلکه برای سلامت انسانها و بهداشت فضاهای فشرده ی زیست شهری از جمله آپارتمانها نیز تهدیدی واقعی هستند. بی شک برخی از شهروندان مهربان، به گربه های خیابانی، غذا (در واقع پسماندهای غذایی) می دهند به طوری که می توان آثار غذا دادن را در حاشیه پیاده روها، داخل پارکینگ آپارتمان ها و کنار سطل های زباله دید، اما این کار باعث افزایش جمعیت گربه های خیابانی و تداوم آسیب ها خواهد شد و تغییر آن نیازمند تصمیمات فرهنگی، حقوقی و اجرایی در جهت وضع قوانین جدید، آگاهی رسانی به شهروندان، عقیم سازی اکثریتی از گربه های خیابانی و استفاده از زباله دان های مدرن است. با این حال، یکی از ضروری ترین و در دسترس ترین اقدامات در این زمینه، همکاری فرهنگی شهروندان از طریق تغییر نگرش به موضوع و غذا ندادن به حیوانات آزاد، از جمله گربه های خیابانی است؛ عملی آگاهانه که به نفع گربه ها، پرندگان و انسان ها خواهد بود.



را به یکدیگر منتقل می کنند. با افزایش تعداد گربه ها، تغذیه آنها برای همان اشخاص خوش نیت نیز دشوار یا غیرممکن می شود و این ماجرا به گرسنگی و آوارگی گربه ها و توله هایشان در دیگر محلات منتهی می شود. با این استدلالات است که غذا دادن به گربه های خیابانی در بسیاری از نواحی آمریکا غیر قانونی و ممنوع است. در پاییز ۲۰۲۱ در شهر وید در آمریکا قانونی تصویب شد که غذا دادن به گربه های خیابانی ۵۰۰ دلار جریمه خواهد داشت. حین تصویب این قانون از سوی یک استاد زیست شناسی شهر عنوان شد که هر سال ده ها هزار پرنده و حیوانات کوچک این شهر توسط گربه های خیابانی کشته می شوند.

بنا بر تحقیقی که اخیراً در دانشگاه تیلبرگ هلند توسط دو محقق به نامهای سامسن و تروپورست انجام شد، گربه های خیابانی برای ۳۷۰ گونه ی جانوری تهدیدی جدی هستند و در هلند سالانه تا ۱۴۰ میلیون حیوان توسط گربه های خانگی شکار می شود. بنا بر گفته این محققان، گربه ها به دلیل تعدادشان، حتی بدون کشتن، به حیات وحش آسیب می رسانند، زیرا باعث افزایش استرس و کاهش جوجه آوری پرندگان می شوند ضمن آنکه بیماری های مسری به همراه دارند. به گفته سامسن، مردم با غذا دادن به گربه های خیابانی احتمالاً قصد آسیب رساندن به حیات وحش را ندارند، اما نتیجه ای که حاصل می شود جز این نیست. در همسایگی ایران، شهرداری دوی در سال ۲۰۲۱ با ارسال نامه به سیصد هزار خانه اعلام کرد که تغذیه حیوانات ولگرد از جمله گربه های خیابانی ممنوع است و ۵۰۰ درهم جریمه دارد و تکرار آن پیگرد قضائی خواهد داشت.

امروزه وجود جمعیت گربه های خیابانی در شهرهای جهان دو عامل اصلی دارد که عبارت است از رهاسازی حیوانات خانگی و زادآوری گربه های خیابانی.

بنا به تحقیقات جدید، گربه ها سالانه تقریباً دو و نیم میلیارد پرنده و دوازده میلیارد پستاندار را در جهان می کشند. متأسفانه گربه های خیابانی، زندگی سخت و عمر کوتاه تری دارند. از آنجا که آنها به همه جا سرک میکشند، معمولاً بدنشان حامل انگل ها و پوستشان حاوی کک است، گاهی به هاری مبتلا می شوند و تعداد زیادی از آنها به طرز دلخراشی با

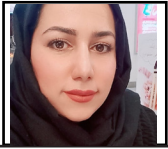


گفتگو



مهدی ذاکریان، استاد علوم سیاسی در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

اگر مشارکت مردمی وجود داشته باشد، امنیت ملی در حداعلا برقرار می شود



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

باتوجه به اصول و قواعد حکمرانی خوب، آیا حاکمیت در ایران می تواند از پس بیش از چهل سال تجربه کشورداری امروز نمره خوبی بگیرد؟

حکمرانی خوب یعنی شفافیت، یعنی پاسخگویی مداوم، یعنی مشارکت دادن جامعه، یعنی حاکمیت مطلق قانون، یعنی اجرای عدالت در تمام سطوح. این موارد و موارد دیگری که از شاخص های حکمرانی خوب هستند، کارنامه حکمرانان را مشخص می کند.

اگر از حکمرانی خودمان رضایت داریم، باید در این شاخص ها حرفی برای گفتن داشته باشیم در غیر این صورت عملکرد ما در حوزه حکمرانی خوب تعریف نمی شود.

منبع اصلی مشروعیت قدرت در هر کشوری مردم هستند. مردم منجر به قدرتمند شدن حاکمیت می شوند. کشورهایی که مردمشان دوشادوش حکمرانان حرکت کرده اند، جزو کشورهای قدرتمند دنیا هستند. توجه به مردم، خواسته های آنان و توجه به حقوق مردم مهم ترین تکلیف دولت ها است. به همان میزانی که از مردم نظر گرفته شود و مردم مشارکت داده شوند، قدرت کشور افزایش پیدا می کند.

نسبت فعالیت احزاب با حکمرانی خوب چیست؟ آیا می توان گفت حکمرانی خوب بدون استقرار یک نظام حزبی ناممکن است؟

یکی از کارکردهای احزاب این است که به گرایش های سیاسی جامعه شناسنامه می دهند و عامل تجمیع نیروهای اجتماعی و سیاسی هستند. مطالبات خرد و تفکرات پراکنده در حزب به صورت یک کلیت هدفمند درمی آید و به کار گرفته می شود.

امروز هم جامعه به این تلفیق نیاز دارد و باید بتواند صدای مطالبات پراکنده و خرد خود را از یک بلندگوی رسمی به گوش حاکمیت برساند. منطق حزب مسیری را به مردم نشان می دهد که می توانند مشکلات، اعتراضات و انتقادات خود را با کمترین هزینه ای به گوش دولت برسانند. در سطحی از اعتراضات و مطالبه گری، هدف مردم دیده و شنیده شدن است. حزب به عنوان منعکس کننده، خواسته های جامعه این فرصت را برای مردم فراهم می کند که حرف هایشان به سطوح عالی حاکمیت برسد.

هر حزب مرام نامه دارد و طبق چهار چوب فعالیت می کند. احزاب قدرت را با ادبیاتی مدنی مطالبه می کنند نه با خشونت. ضمن اینکه حزب رسانه



اراده ملت، فائزه صدر: حزب در ایران پیشینه ای بیش از یک سده دارد، اما احزاب در کشور ما هرگز به معنای حقیقی کلمه شکل نگرفتند. در دهه های اخیر تصور عمومی جامعه از حزب گروه هایی سیاسی بود که تنها در ایام انتخابات فعالیت می کنند و بعد از گذر این دوره نمی توان سراغی از آن حزب، گروه و اعضایش گرفت. زیرا فعالیتشان موقتی بود و برای روزهای بعد از انتخابات رابطه ای تعریف شده میان آن ها، مردم، و نامزد برگزیده وجود نداشت. باتوجه به تصویر ذهنی جامعه از کلاهبرداری که یک شبه دفتر و دستک خود را جمع می کنند، این شکل از فعالیت حزبی که شب انتخابات به یکباره از منظره شهرها پاک می شود، کم شبیه به رفتاری مغشوش و پرسش برانگیز نیست. از این رو جامعه دل خوشی از حزب ندارند و سعی می کند از احزاب سیاسی فاصله بگیرد. به ویژه که در دوره هایی فعالیت حزبی برای افراد مختلف پر هزینه بود و موارد فراوانی از احضار و بازداشت چهره های حزبی شناخته شده وجود دارد. اما در این میان چه کسی مقصر است؟ مردمی که تصویر ذهنی خوبی از احزاب ندارند؟ احزابی که هرگز به سطح کارکرد واقعی خود نرسیدند؟ یا حاکمیتی که در برابر فعالیت های حزبی سرسختی و مقاومت نشان می دهد؟ اراده ملت در گفت و گویی مهدی ذاکریان استاد علوم سیاسی به جست و جوی این پاسخ ها برآمده که در ادامه می خوانید:



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

برخوردار نیستند، چنین فضایی که در قواعد حکمرانی خوب تعریف نمی‌شود.

دولت باید به مردم اجازه تجمع و تظاهرات بدهد و مردم بتوانند بعد از اینکه مشکل خود را مطرح کردند و مطالبه خود را به گوش مسئولین رسانند، در کمال امنیت به خانه‌هایشان برگردند و نگران تبعات این مطالبه‌گری نباشند.

اگر هدف حاکمیت این باشد که از شورش یا بروز شکل خشونت آمیز و پر تنش اعتراضات خیابانی جلوگیری کند، باید فضایی برای تشکیل و فعالیت احزاب مدنی فراهم کند.

در یک نظام دموکراتیک مردم باید حق مطالبه و حق اعتراض داشته باشند و سپس پاسخ مناسب را دریافت کنند. اگر بهانه سلب حق مشروع اعتراض و انتقاد مردم، پاسداری از امنیت ملی باشد. باید بگوییم در هر جایی که مشارکت مردمی وجود داشته باشد و مردم با حاکمیت همراه باشند، امنیت ملی در حد اعلا برقرار می‌شود. پس هر آنچه که منجر به ایجاد فاصله بین جامعه و حاکمیت شود در جهت تضعیف امنیت ملی عمل می‌کند

دارد و مردم انعکاس پیدا کردن مطالبات خود را می‌بینند و حس می‌کنند به این ترتیب حس شنیده نشدن، دیده نشدن و ناکام بودن از بین می‌رود و از گسترش تنش و یا سرایت خشونت در اعتراضات خیابانی جلوگیری می‌شود.

در کشور ما قوانین مربوط به آزادی فعالیت احزاب وجود دارد و احزاب رسمی و دارای مجوز داریم آیا می‌توانیم بگوییم در مسیر استقرار نظام حزبی، نیمی از راه را آمده ایم؟

وقتی از آزادی فعالیت احزاب حرف می‌زنیم به این معنی است که احزاب باید این اختیار را داشته باشند که از مسیر قانونی بتوانند حداقل یک مجوز تجمع و راهپیمایی مسالمت آمیز بگیرند و گرنه صرف ثبت یک حزب که نشد آزادی فعالیت‌های حزبی!

کارکرد واقعی حزب منجر به ایجاد فضای ثبات سیاسی و امنیت در نظام سیاسی می‌شود. اگر هنوز مردم نمی‌توانند حرفشان را پشت تریبون یک حزب و زیر پرچم یک حزب بزنند یا بعد از بیان نظر خود از امنیت



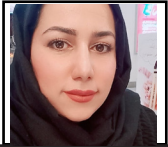
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

فریدون مجلسی، نویسنده و تحلیلگر سیاسی در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

احیای برجام و پیوستن به افای تی اف، گره گشایی از مشکلات اقتصادی است



فائزه صدر

Faehsadr7@gmail.com

رئیس جمهور در آغاز هفته به مسئولین دستور داد تا پایان هفته برنامه های خود برای حل مشکلات اقتصادی را تدوین کنند. آیا این نگاه و ادبیات دستوری رئیس دولت می تواند زمینه ساز بهبود شرایط اقتصادی شود یا همین نوع برخورد نشان از عدم شناخت صحیح مشکل دارد؟

آقای ریسی در سخنان خود حسن نیتی نشان می دهد و مایل است چرخ اقتصاد کشور به حرکت دربیاید. او می خواهد فعالیت های اقتصادی در کشور به حداکثر برسد و تولید ملی جان بگیرد، ولی آقای ریسی باید متوجه این نکته باشد که بخش اعظمی از نیاز های اولیه تولید ملی به وسیله واردات و از خارج از مرزها تامین می شود. همچنان که بخشی از تولید کشور باید صادر شود و در بازار های خارجی به فروش برسد.

رئیس جمهور از طیفی است که حامی تحریم خودساخته روابط بانکی ایران و بین الملل بودند. تا وقتی ایران ای تی اف را نپذیرد نمی تواند به طور صحیح وارد جریان صادرات و واردات شود و از لزوم آن یعنی استفاده از سیستم بانکی بین الملل بهره ببرد.

اظهار امیدواری نسبت به حل مشکلات و دستور و فرمان برای حل مسائل، دردی را دوا نمی کند. برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور باید در مسیر درست قدم برداشت و ابتدا موانعی را برداشت که این مشکلات را بوجود آورده اند. در قدم اول باید احکام مربوط به پروتکل های ای تی اف رعایت شود و این پذیرش به طور رسمی به جهان اعلام شود.

تا مشکل پرونده هسته ای ایران حل نشود و تحریم ها رفع نگردد. تا ای تی اف امضا نشود و استقلال بانکی کشور بازنگردد نمی توان ادعا کرد که برنامه ای برای حل مشکلات اقتصادی داریم. امروزه کدام برنامه اقتصادی را می توان در انزوا از جهان اجرا کرد و به نتیجه رساند؟!

روسای جمهور کشور عموماً سپری هستند تا ضربه گیر نواقص ناشی از عملکرد کل مجموعه نظام باشند. آقای ریسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند بخصوص که در دوره ریاست ایشان بر قوه مجریه شکل واحدی از سیاست ورزی در کل مجموعه حاکمیت وجود دارد و به عنوان حاکمیت یک دست شناخته می شود.

در شیوه حاکمیت یک دست نمی توان مسئولیت ها را از جایی به جای دیگر حواله داد. امروز در هر اتفاقی کلیت حاکمیت نقش دارد و باید جوابگو باشد. در مورد مسائل و مشکلات اقتصادی نیز مجلس

روسای جمهور سپری هستند تا ضربه گیر نواقص ناشی از عملکرد کل مجموعه نظام باشند نمی توان اعتماد از دست رفته مردم را با شیوه های ضد احترام و ضد آزادی ترمیم کرد الگوی نظامی و دفاعی که ایران در پیش گرفته با حل مشکلات اقتصادی کشور نسبتی ندارد



اراده ملت، فائزه صدر: رئیس دولت سیزدهم پس از نزدیک به دو سال حضور در راس قوه اجرایی کشور، هنوز هم با ادبیات دستوری ویژه ای که مختص روسای قوه قضاییه است با زیر مجموعه خود گفت و گو می کند. رئیس جمهور این هفته را با دستور مبنی بر لزوم ارائه برنامه برای مهار تورم آغاز کرد. ابراهیم ریسی روز شنبه در جلسه شورای اقتصاد به دستگاه های اجرایی یک هفته فرصت داد تا پیشنهادات خود را برای هماهنگی در راستای اجرای برنامه و رفع موانع پیش رو ارائه کنند. ایشان در همین جلسه از رئیس کل بانک مرکزی خواست تا هر چه سریعتر برنامه های لازم برای اعمال موثر حکمرانی دولت بر پول ملی را تدوین کند و به اجرا بگذارد. این در حالی است که به گفته بسیاری از کارشناسان، وضعیت اقتصادی کشور امری جدا از شرایط سیاسی نیست و بدون تغییر نگاه در حوزه سیاسی، نمی توان شاهد بهبودی در فرایند های اقتصادی بود. اراده ملت در گفت و گو با فریدون مجلسی نویسنده و تحلیلگر سیاسی به بررسی تاثیر تصمیمات سیاسی بر اقتصاد پرداخته که در ادامه می خوانید:



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

ایران جنگ در اولویت نیست و صلح هدف است، خواهیم دید که سرمایه ها به ایران سرازیر خواهد شد.

مگر امروز در عربستان یا مسقط و عمان تورم وجود دارد؟! ایران از نظر مساحت، جمعیت، دانش توانمندی، ظرفیت و زیرساخت با کویت و قطر قابل قیاس نیستند. ولی کویت و قطر تورم ندارند و ایران با این معضل درگیر است. این کشور ها ابتدا ثروتمند شدند و سپس قدرت آنها بر پایه ثروتی که کسب کرده بودند استوار شد و امروز می بینیم که در حال افزایش توان نظامی و دفاعی خود هستند. الگوی نظامی و دفاعی که ایران در پیش گرفته با حل مشکلات اقتصادی کشور نسبتی ندارد.

دولت در کوتاه مدت چگونه می تواند بر شرایط و بحران ها فائق آید؟ با ادامه وضعیت فعلی و حل نشدن بن بست های سیاسی و اقتصادی کشور چه الگویی برای تعامل حکمرانی ناموفق و جامعه ناراضی وجود دارد؟

وقتی نظام های سیاسی در کشور ها به بن بست سیاسی و اجتماعی می رسند و سرمایه های اجتماعی خود را در خطر می بینند و یا مشاهده می شود که ترس جایگزین احترام شده، تلاش هایی برای بهبود شرایط صورت می گیرد.

بعضا دولت ها کوشیده اند با شدت عمل بیشتری برای حفظ جایگاه حاکمیت مقاومت کنند. برخی تلاش هایی از جنس کارهای فرهنگی و اجتماعی انجام می دهند که گاهی راه حل های حل مساله از دل این تلاش ها بیرون آمده و سرمایه آسیب دیده ترمیم شده است.

در جو ملتهد و کنونی ایران که اختیارات اجرایی، قضایی، امنیتی و نظامی در بین صاحبان یک نوع نگاه سیاسی و در یک مرکزیت متمرکز است، امر مهم تصمیم گیری برای آینده به اختیار آن ها است و باید منتظر تصمیم این جمع بود.

می توان موقعیت فعلی گروه های مسلط را حفظ کرد و باقی ماند ولی نمی توان اعتماد از دست رفته مردم را با آن شیوه های ضد احترام و ضد آزادی و با حفاظت از طریق اقتدار و زور ترمیم کرد. تا مشکل حاکمیت با سرمایه اجتماعی تقلیل یافته حل نشود نمی توان امید را به جامعه بازگرداند.

و دولت باید به یک اندازه پاسخگو باشند چون مجلس با طیف حامی دولت اشباع شده است.

اگر به جای یکی از مسئولین دولت بودید و تنها تا پایان هفته برای ارائه برنامه اجرایی با هدف مقابله با تورم، فرصت داشتید؛ چه پیشنهادی به رئیس جمهور ارائه می کردید؟

اتفاقا برای من که دیدگاه سیاسی دارم و دانش اقتصادی ام تابع نظریه های اقتصاد سیاسی است و نگاه سیاسی ام همواره بر نگاه اقتصادی ام غلبه دارد؛ پاسخگویی به این خواسته رئیس جمهور بسیار عملی به نظر می رسد.

لزومی ندارد رئیس جمهور یک هفته منتظر باشند، می توان در فاصله یک روز درباره مشکلات سیاسی که پیش زمینه تورم است صحبت کرد. لازمه از میان برداشتن معضل تورم، از بین بردن همان پیش زمینه ها است و اتفاقا همه آن پیش زمینه ها مواردی در حوزه اختیارات دولت و حکومت است.

دورانی طولانی صرف شده و حاصل آن به تورم امروز رسیده است ولی بر خلاف اینکه به نظر غیر ممکن خواهد آمد اما این مشکل قابل حل است. دولت دست به کار شود و پیش زمینه های تورم را رفع کند. در درجه اول هزینه های کاهش درآمد های ملی، مالیاتی و نفتی که متوجه رفتار های برون مرزی کشور است متوقف شود.

کشورمان باید همچون بسیاری از کشور ها دارای نظام دفاعی مستقل و پیشرفته باشد تا اجازه تجاوز به سایر کشور ها داده نشود. ولی ابعاد این نظام دفاعی باید به اندازه کشورمان باشد و ایران هم متقابلا در امور سیاسی کشور های دیگر دخالت نکند.

ایران باید آزادی های زندگی فردی و خصوصی مردم را به رسمیت بشناسد. چنین فضایی می تواند مطلوبیت زندگی در کشور را بالا ببرد و در جذب سرمایه ها به اقتصاد کمک کند.

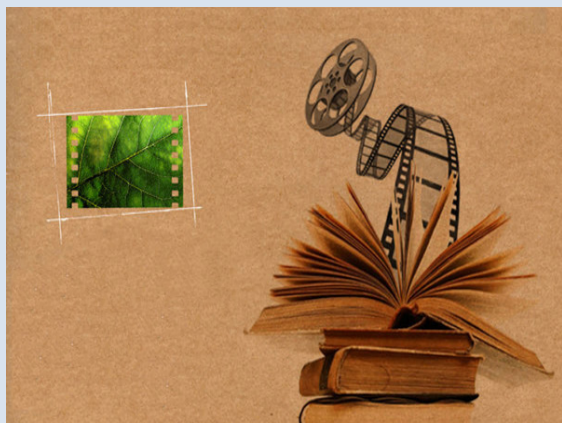
تنها همین دو مورد بعد از اعلام و اجرایی شدن فوراً آثار خود را نشان می دهد. روزی را به خاطر بیاوریم که ایران قطعنامه شورای امنیت در جنگ ایران و عراق را پذیرفت، قیمت دلار در بازار آن روز ایران بی درنگ به نصف کاهش یافت.

وقتی رفتار و سیاست های دولتمردان در عمل نشان بدهد که برای





معرفی و پیشنهاد



هیچ چیز بدون اثری از خود، نمی گذرد



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: اینجانپ، دانیل بلیک

کارگردان: کن لوچ

سال انتشار: ۲۰۱۶

زمان: ۱۰۰ دقیقه

ژانر: درام

محصول: انگلستان



این فیلم روایتی است از زندگی فردی تقریباً شصت ساله، که در نیوکاسل انگلستان زندگی می کند. به شغل نجاری مشغول است و با اندک درآمدی سعی در گذران زندگی خود دارد. همسر خود را از دست داده است، فرزندی ندارد و تنها در یک خانه کوچک زندگی می کند. او اخیراً دچار حمله قلبی شده و از طرف پزشک خود برای حفظ سلامتی از کار کردن منع شده است. حالا به دنبال دریافت بیمه بیکاری است. دولت انگلستان مسئولیت بیمه بیکاری افراد را به یک شرکت خصوصی واگذار کرده است. و این دقیقاً همان سیاستی است که به وجود آورنده شرایطی ناامید کننده در زندگی این فرد سالخورده و تنها می باشد و در لحظه ای که فرد در زندگی اجتماعی خود به بن بست رسیده است و نیاز به کمک از طرف قدرتی بالاتر را احساس می کند، کسی به او اعتنایی نمی کند.

در این داستان که تعامل سنت و مدرنیته به تصویر کشیده شده است، موجب شکل گیری داستانی شده که در آن بلیک با شخصیت متین و آرام و در عین حال حق طلب خود برای رسیدن به حقوقش بهترین راه را انتخاب می کند؛ و داستان به گونه ای پیش می رود که ساختار سیاسی و منفعت طلبی مردم عادی را، توأمان مقصر معضلات و ناهنجاری ها بیان کرده و حذف انسانیت از جوامع امروزی را فقط گردن دولت ها یا مردم نمی اندازد.

بوروکراسی حاکم بر سیستم های اداری که ظاهراً مشکل همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، شخصیت اصلی داستان را کلافه کرده و کم کم به مرز انفجار می رساند. تاجایی که شخصیتی دوست داشتنی، مهربان، دارای عزت نفس و محکم دانیل بلیک که شاید زمانی الگوی خوبی برای کودکان و نوجوانان بوده، به آرامی به دست فراموشی سپرده شده و جای خود را به ابرقهرمانان عصبی و بی منطق داده است. با این حال این مفهوم دریافت میشود که هر قدم کوچکی که برمی داریم می تواند بر حال و آینده ما تاثیر گذار باشد.

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

تورم آمد، اخلاق رفت



علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com

شناسنامه:

کتاب: تورم و اخلاق

نویسنده: اندرو دیکسون وایت

مترجم: سید حسن دیباج

تعداد صفحات: ۸۸ صفحه

انتشارات: دنیای اقتصاد

خلق پول چگونه بر اقتصاد، سیاست و اخلاق جوامع اثر می گذارد؟ خلق پول و نقدینگی چگونه سبب نابرابری می شود؟ چگونه جوامع با خلق پول توسط حکومت ها و خارج از قواعد اقتصاد به خاک سیاه می نشینند؟

اندرو دیکسون وایت پاسخ به سوالات بالا را در کتابی کوچک با روایتی ساده و جذاب روایت می کند. او عاقبت در دناک جامعه ای قربانی خلق نقدینگی را به تصویر می کشد که یک قرن بعد از آن نیز کماکان اثرات مخرب این واقعه را تحمل می کرد. اگرچه کتاب روایتی تاریخی و مستند و بدون پیچیدگی های نظری است اما حاوی اندیشه های مهم اقتصادی است.

این کتاب در مورد انتشار پول کاغذی و خلق نقدینگی توسط حکومت انقلابی فرانسه در سال ۱۷۹۰ و تجربه فاجعه بار ناشی از آن تا سال ۱۷۹۹ که جامعه فرانسه را به نکت اقتصاد و اخلاقی کشاند می باشد؛ و به بهترین شکل ممکن وضعیت فروپاشی جامعه را نشان می دهد که قرار بود آزادی و برابری را برای شهروندان به ارمغان بیاورد ولی در نهایت با تصمیم های بلاهت بار اقتصادی، نه فقط ارزش پول ملی و وضعیت معیشت اکثریت مردمش را بلکه همه ی ارزش های انسانی و اخلاقی اش را به سرحد نابودی رساند. تورم و اخلاق، کتاب کوچکی ست که به استناد فکت های تاریخی اش به دوره ی زمانی کوتاهی در فرانسه می پردازد، اما در واقع روایتیست سراسر نصایح تاریخی برای همه ی مردمانی که نابلدی ها و ندانم کاری های حوزه ی سیاست، فرهنگ و اقتصاد سرمدارانشان، کشورشان را در سرآشینی سقوط و فروپاشی قرار داده است.

بخشی از متن کتاب:

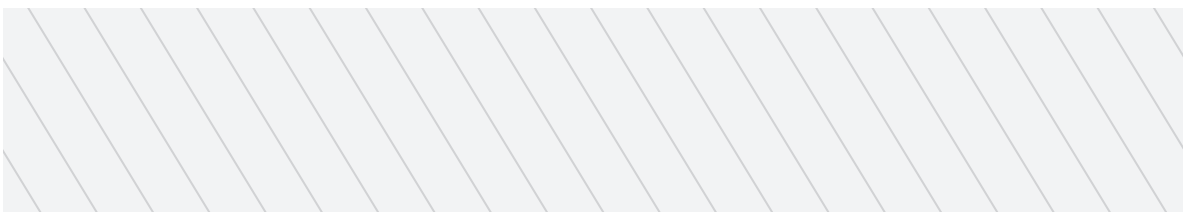
تاریخ روشن می کند که تورم قاعدتا باید حرام ترین حرام اقتصادی تلقی گردد، چون مالیاتی است غیر شفاف و غیر صریح از فقر به نفع فاسدترین طبقه ثروتمندان. ضمن آنکه تورم از نظر دستکاری در مهم ترین اطلاعات جامعه (قیمت ها) سرشتی همچون دروغ گوئی دارد. تاریخ مشخص می سازد که تورم پولی با فساد به معنای تخطی از قوانین (چه قوانین وجدانی و چه اجتماعی) و تمرکز بر لذت جوئی کوتاه مدت یا فساد اداری ارتباط نزدیکی دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



میراث مکتوب در گذر زمان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

تاریخ، فرهنگ، زبان و جغرافیای باستانی ایران در اختیار مای گذارند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و موزه های مختلف نسخ خطی بسیار ارزشمندی در اختیار دارند که برخی به قدمت ۸۰۰ سال می رسند. این نسخ خطی حاوی آثار گرانقدر ادبی، علمی و فلسفی فارسی هستند.

برخی از مهمترین اسناد موجود در کتابخانه ملی ایران عبارتند از:

- نسخه خطی قرآن کریم که متعلق به قرن سوم هجری و از قدیمی ترین نسخ موجود است.

- شاهنامه بایسنقری که توسط شاعر بزرگ حکیم ابوالقاسم فردوسی در قرن چهارم نوشته شده است. این نسخه متعلق به قرن هفتم هجری است.

- کلیات سعدی که توسط مشرف الدین عبدالله سعدی در قرن هفتم نگاشته شده و نسخ موجود متعلق به همان زمان است.

- زنجیره المعارف ناصری که توسط علامه قزوینی در زمان ناصرالدین شاه قاجار نوشته شده و نسخه ای موجود متعلق به همان زمان است.

- مجموعه ای از تقاضانامه ها و فرمان های سلاطین قاجار از جمله فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه

- مکاتبات و اسناد مربوط به مشروطه و پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار

- مجموعه ای از نامه های دوره پهلوی و مربوط به محمدرضا شاه و درباریان

- مدارک مربوط به انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ خورشیدی

هفدهم اردیبهشت ماه در تقویم به نام روز اسناد ملی و میراث مکتوب نام گذاری شده است، در ایران از عهد باستان، مانند سایر تمدن های کهن، اسناد و مدارک را در آرشیو ها بایگانی می کردند و برای آن اهمیت زیادی قائل بودند؛ چنان که در دوره هخامنشی (۳۳۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد) زیربنای تشکیلات اداری امپراتوری را بایگانی سلطنتی تشکیل می داد و رئیس سازمان اداری، رئیس بایگانی سلطنتی بود. روند حفظ اسناد در دوره اشکانیان و ساسانیان هم ادامه پیدا کرد و پس از رواج اسلام در ایران، به راهنمایی وزیران و دبیران ایرانی اسناد در محلی با عنوان «خزان» نگهداری می شد. در حکومت صفویه تهیه و ارسال اسناد و مدارک امور مملکتی در دفترخانه دیوان اعلی (عمارت چهل ستون) محافظت می شد و از دوره صفویه به بعد، تعداد چشمگیری از اسناد و مدارک به خط فارسی نوشته شده اند.

در حال حاضر سازمان اسناد و کتابخانه ملی مسئول حفظ و مراقبت از این اسناد تاریخی است. این اسناد نباید در معرض آسیب های فیزیکی قرار گیرند و باید در شرایط استاندارد نگهداری شوند. همچنین تصویربرداری و تبدیل آنها به فایل های دیجیتالی از اهم اقدامات این سازمان در جهت حفظ و در اختیار پژوهشگران و عموم مردم قرار گرفتن است.

اسناد و مدارک مکتوب تاریخی از دوران باستان تا امروز جزئی ارزشمند از میراث فرهنگی هر کشوری از جمله ایران به شمار می روند. این اسناد شامل گزارش ها، اعتراض نامه ها، حواله های مالی، تقاضاها، دستورهای اداری و مکاتبات شخصی هستند، که شامل لوحه های گلی، پاپیروس ها و کتیبه های سنگی اند که برخی به زبان های ایلامی، اکدی و فارسی باستان نوشته شده اند. این اسناد اطلاعات ارزشمندی درباره

ممنوعیت خنیاگری



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

شکل گیری موسیقی

غیر کلیسایی هنر دلقک های سیار، خنیاگران یا شعبده بازان دوره گرد، مطربان، بازیگران و حکیمان سیار بود که از شهری به شهری سفر می کردند؛ و به دلیل هنری که در سرگرم سازی مخاطبان خویش داشتند در روستا، شهر و دربار به یک اندازه از آنان استقبال می شد.

به این خنیاگران دوره گرد هم کلیسا حمله می کرد و هم مقامات دولتی. اتهام کلی ایشان هم این بود که اشخاصی ضد اخلاقی و کارگزاران شیطان اند ولی انگیزه واقعی مخالفان مانند همه موارد مشابه در سانسور اخلاقی هنر مردم، مسائل سیاسی بود.

در سال ۱۴۰۲ میلادی مجلس عوام انگلستان دستور داد که هیچ خنیاگر سیار و یا شاعر کی در شهر ویلز باقی نماند و برای مردم عادی نمایشنامه و موسیقی اجرا نکنند. زیرا همینان هستند که با غیب گویی ها، دروغ ها و اندرزهایشان تا حدودی باعث طغیان و شورش کنونی مردم در ویلز شده اند. در شهر ها، چاپ آثار موسیقی در میان صنف های چاپخانه دار ها آغاز شده بود و به این ترتیب وسیله ای برای انتشار و مطالعه آهنگ ها و اجرای موسیقی به شیوه ای که قبل از این ممکن نبود فراهم آمده بود. نخستین قطعه موسیقی چاپ شده در سال ۱۵۰۰ میلادی در شهر ونیز ایتالیا به بازار آمد، لیکن تا اواخر سده هجدهم آهنگسازان نمی توانستند بخش عمده ای از مخارج زندگی شان را از راه چاپ و فروش آثار موسیقی خود به دست آورند. یکی از کمک های شهر ها به موسیقی که بعدها معلوم شد بزرگ ترین اهمیت را در تحولات آینده موسیقی داشته است تدوین و تکمیل موسیقی مبتنی بر آن چیزی بود که امروزه گام های مازور و مینور نامیده می شوند. این روش وسیله ای بود برای آسان کردن نوشتار و اندیشه موسیقایی که هنر موسیقی را از پیچیدگی ها و قواعد دین مدارانه مدهای کلیسایی رها نید و گنجینه تازه ای از هیجان برای موسیقی فراهم آورد.

در شماره های گذشته ی نشریه در مورد مسائل مختلفی در حوزه ی موسیقی صحبت کردیم و اندیشه ها و رویکردهای برخی از نویسندگان را نیز از نظر گذرانیدیم، چنانچه تاکید کرده ایم قصد ما همواره بر ارائه ی مطالبی قابل ادراک برای مخاطب عام بوده که ایشان بتوانند به سادگی مفاهیم مطروحه را دریابند، لذا خالی از لطف نخواهد بود که علاوه بر مطالعه ی روش های گوناگون آموزش موسیقی، به گذشته این هنر ارزشمند نیز نگاهی اجمالی داشته باشیم. از آنجا که تکامل دانش موسیقی در مکتوب شدن آثار و اصول تئوری موسیقی از غرب شروع می شود، میتوانیم بررسی تاریخ موسیقی را از سده های میانه در اروپا آغاز نماییم.

موسیقی درباری سده های میانه ترکیبی از مهارت در خواندن نواختن و آهنگ ساختن بود که شکل دیگرش فقط در کلیسا شنیده می شد و مضامینش گاه در مواردی که تا حدی رسمی می شد به موضوعاتی غیر آسمانی مانند عشق، زیبایی های طبیعت و شاهکارهای جنگی نیز ارتباط پیدا می کرد. به نظر می رسید که موسیقی آهنگی بی پایان است که فرمش از بندهای شعر و کلام پیروی کرده، با حرکات تزیین صدا آراسته می شود و آهنگ های مردمی را به کار می گیرد. در اواخر سده های میانه با آنکه شعر و موسیقی از پیشه های خاص درباریان بود، روز به روز بر تعداد هنرمندان ماهری که برای تصنیف موسیقی درباری اجیر می شدند افزوده می شد. شهر ها که مراکز دادوستد بودند حکم کانون هایی را داشتند که در آنها انواع بسیار متفاوت موسیقی در کنار هم قرار می گرفتند و بر قدرت و کیفیت یکدیگر می افزودند، در شهر موسیقی استادانهای که آهنگسازان کلیسا می ساختند به گوش می رسید. در میان صنعتگران و طبقه متوسط شهر ها هنر موسیقی همچنان رشد می کرد و این در حالی بود که نظریه پردازان و موسیقی شناسان کلیسا با آن به مخالفت برخاسته بودند.

یکی از سرچشمه های غنی موسیقی دانشجویان سرگردان بودند که موسیقی و شعری سرشار از لذت زندگی، عشق و سفر در جاده ها می آفریدند. از این مهم تر در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



شمع سوخته

آری، آری، زندگی زیباست.
زندگی آتش گهی دیرنده پابر جاست.
گر بیفروزی اش، رقص شعله اش در هر کران پیدا است.
ورنه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرائی (۵ اسفند ۱۳۰۵ - ۱۹ بهمن ۱۳۷۴) شاعر و از اعضای کانون نویسندگان ایران و از فعالان سیاسی چپ گرای تاریخ معاصر ایران بود. کسرائی دانش آموخته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و از بنیان گذاران انجمن ادبی شمع سوخته بود. او سالیان دراز در حزب توده ایران فعالیت داشت. سیاوش کسرائی، سُراینده منظومه آرش کمانگیر، نخستین منظومه حماسی نیمایی است. وی یکی از شاگردان نیما یوشیج بود که به سبک شعر او وفادار ماند. از جمله مجموعه شعرهای به جای مانده از سیاوش کسرائی، می توان به مجموعه شعر آوا، مهره سرخ، در هوای مرغ آمین، هدیه برای خاک، تراشه های تبر، خانگی، بادموند خاموش و خون سیاوش اشاره کرد.

ده شاخه گل سرخ بچینید

در راه بمانید

یک یک شهدا را همه با نام بخوانید

تا زمزمه خلق به فریاد در آید

آن بغض فروخورده بترکد

خلقی بخروشد

وین تیره شب آخر به سر آید

ده شاخه گل سرخ بچینید

از جای بر آید

از خانه در آید

پر پر شده گل را سر هر کوچه بپاشید

کان «قصه ناگفته» همه خلق بداند

تا خشم فرو خفته دگر سر بگشاید

وین تیره شب آخر به سر آید

ده شاخه گل سرخ بچینید

با یاد شهیدان

چون پرچم سرخی

در رهگذر باد بگیرد

تا باد مگر در گذر خویش

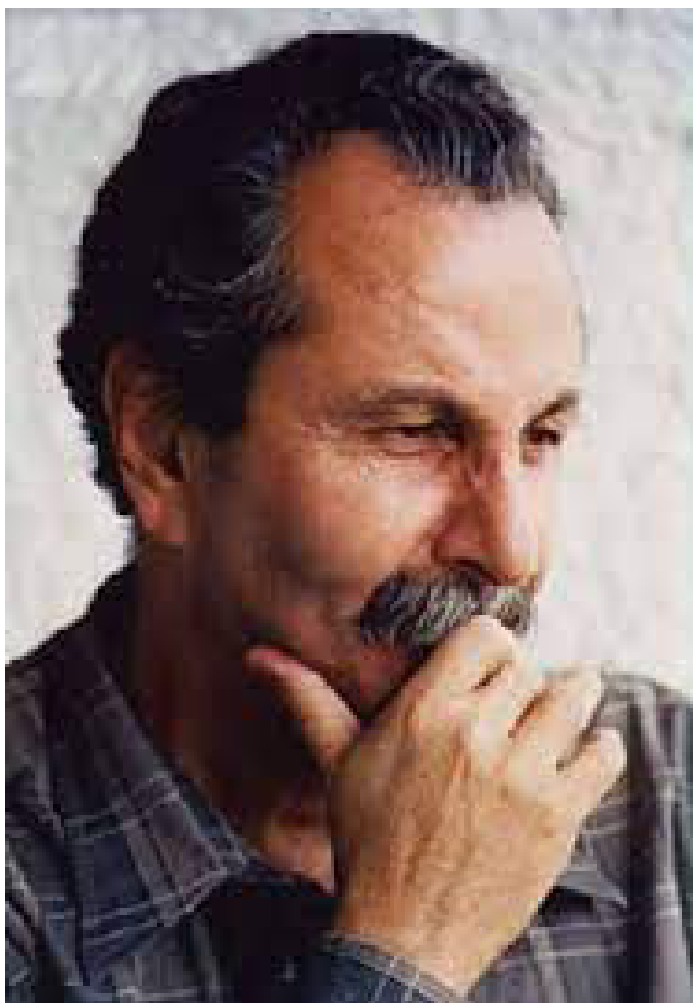
این قصه جان سوز به هر گوشه رساند

در گوش همه، فصلی از این قصه بخواند

تا خشم، خروشی شده، خورشید بر آید

وین تیره شب آخر به سر آید

ده شاخه گل سرخ بچینید ...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

«در ستایش گرمترین رنگ»



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



نقطه‌ای گرم و سرخ، در سراسیمگیِ سردنیای جنون

اثری از توماس دورزاک، عکاس آلمانی که تصویری از کمپ اسپوتنیک را ثبت کرده است. کمپ پناهندگان
چچن، آنها که از جنگ گریخته‌اند...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

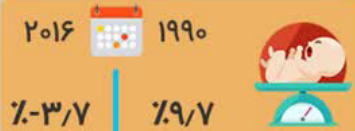
۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

تسکین درد گرسنگی در ایران

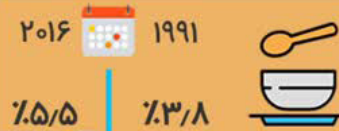
آخرین وضعیت ایران در شاخص جهانی گرسنگی



کموزنی کودکان



سوء تغذیه



مرگ و میر کودکان



کوتاه قدی کودکان



infographic: Milad Ghezellu



مهندس قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

(آرمان توسعه پایدار ۲)

به صفر رساندن گرسنگی

در حال نابودی هستند. تغییرات اقلیمی نیز بر منابعی که به آن‌ها وابسته ایم فشار مضاعف وارد می‌کند و خطرات مربوط به بلایای طبیعی مانند خشکسالی و سیل را افزایش می‌دهد. بسیاری از زنان و مردان روستایی، با کار روی زمین‌های زراعی از پس خرج و مخارج خود بر نمی‌آیند. بنابراین مجبور به مهاجرت به شهرها و جستجوی فرصت‌های شغلی می‌شوند. برای سیر کردن دو میلیارد نفر دیگر تا سال ۲۰۵۰ میلادی (۱۴۳۹ خورشیدی)، باید تولید مواد غذایی در جهان را تا ۶۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه تقریباً تا دو برابر افزایش داد.

با پذیرش اهداف توسعه پایدار، دولت‌ها متعهد شدند گرسنگی و سوء تغذیه را ریشه کنند. اما در سال ۲۰۲۲ سازمان ملل اعلام کرد شمار افرادی که از گرسنگی رنج

یکی از چالش‌های اساسی اکثر دولت‌ها، تأمین غذای سالم و کافی می‌باشد. بی‌توجهی به تأمین غذا تهدیدی برای امنیت ملی است، زیرا با توجه به افزایش جمعیت جهان باید تولید مواد غذایی سالم و با کیفیت دو برابر افزایش یابد که با وجود تخریب‌های محیط زیستی گسترده در جهان ناممکن و پیچیده به نظر می‌رسد. به این ترتیب که تأمین مواد غذایی برای تعداد افراد بیشتری در جهان از یک سو و در عین حال حفاظت از محیط زیست از چالش بسیار بزرگی به شمار می‌رود، اما می‌توان با ایجاد تغییراتی در سیستم غذایی و کشاورزی از طریق توانمندسازی دولت و امنیت سیاسی به تولید و مصرف متنوع و پایداری رسید.

در حال حاضر خاک، آب شیرین، اقیانوس‌ها، جنگل‌ها و تنوع زیستی به سرعت

کمک نماید و ظرفیت سازگاری با تغییرات اقلیمی، شرایط آب و هوایی سخت، خشکسالی، سیل و سایر بلایای طبیعی را تقویت کرده و به تدریج کیفیت زمین و خاک را بهبود بخشد.

۵) حفظ تنوع ژنتیکی بذرهای گیاهان زراعی، حیوانات پرورشی و اهلی و سایر گونه‌های وحشی وابسته به آن‌ها از روش‌های گوناگون شامل مدیریت کارآمد بانک‌های متنوع بذر و گیاه در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ارتقای دسترسی و مشارکت عادلانه در منافع حاصل از بهره‌داری از منابع ژنتیکی و دانش سنتی مرتبط با آن طبق توافقات بین‌المللی تا ۲۰۲۰.

امنیت غذایی زیر بنای امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور است. وظیفه حاکمیت پایش و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در امنیت غذایی است و باید عواملی که موجب بی‌ثباتی و ناپایداری امنیت غذایی می‌شوند، مهار نماید. بنا بر به اهمیت امنیت غذایی سند راهبردی و ملی با توجه به چالش‌های مهم این حوزه تدوین شده است.

بر اساس شاخص جهانی گرسنگی در سال ۲۰۲۲، در بین ۱۲۵ کشور ایران رتبه ۲۹ را دارد همچنین بر اساس نقشه بین‌المللی امنیت غذایی، در نیمه اول سال ۱۴۰۱، هفت استان درگیر بحران امنیت غذایی قرار دارند. از این رو دولت سیزدهم در شهریور سال گذشته اقدام به تشکیل قرارگاه امنیت غذایی برای تأمین غذا در سطح منطقه کرده است. توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه کشاورزی، تولیدبذرهای مختلف و افزایش پوشش اراضی یا کاشت نهال، اصلاح الگوی کشت، افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از جمله برنامه‌های قرارگاه تأمین امنیت غذایی است، اما چنانچه بحران‌های محیط زیستی کشور (به‌ویژه آب و خاک) نادیده گرفته شود و بدون کسب دانش و تجربه متخصصان هر حوزه، اقدامی در این خصوص صورت بگیرد نتیجه معکوسی خواهد داشت.

می‌برند نسبت به سال گذشته ۴۶ میلیون نفر افزایش و به ۸۲۸ میلیون نفر رسید، این گزارش تأکید کرده است: جهان در حال دور شدن از هدف پایان دادن به گرسنگی، ناامنی غذایی و سوء تغذیه تا سال ۲۰۳۰ است.

تأمین غذای سالم و کافی از پیش شرط‌های توسعه و سلامت جامعه است که هدف ثبات تأمین غذا و قابل دسترس بودن برای هم‌افراد جامعه است. با آغاز حمله روسیه به اوکراین نگرانی جهان در مورد کمبود مواد غذایی به‌ویژه گندم، ذرت و دانه‌های روغنی افزایش یافته است. با توجه به وضعیت گرسنگی و تأمین مواد غذایی، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ نزدیک به ۸ درصد جمعیت جهان با گرسنگی روبرو خواهند بود. اهداف تعیین شده توسعه پایدار برای پایان دادن به گرسنگی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) پایان بخشیدن به گرسنگی و تضمین دسترسی همه مردم به‌ویژه افراد نیازمند و آسیب‌پذیر از جمله نوزادان به غذای سالم، مغذی و کافی در تمام طول سال، تا ۲۰۳۰.
۲) پایان بخشیدن به همه اشکال سوء تغذیه تا ۲۰۳۰ و دستیابی به اهداف توافق شده بین‌المللی در ارتباط با کودکان زیر ۵ سال بازمانده از رشد طبیعی از نظر قد و وزن (به نسبت سن) همچنین رسیدگی به نیازهای تغذیه‌ای دختران نوجوان، زنان باردار یا شیرده و سالمندان تا ۲۰۲۵.

۳) افزایش دوبرابری بهره‌وری کشاورزی و درآمد تولیدکنندگان خرد محصولات غذایی، به‌ویژه زنان، مردم بومی، دامداران، ماهیگیران و خانواده‌های کشاورز از روش‌های مختلف شامل دسترسی مطمئن و برابر به زمین، سایر منابع و امکانات تولیدی، دانش، خدمات مالی، بازارها و فرصت‌های ایجاد ارزش افزوده و اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی تا ۲۰۳۰.

۴) اطمینان از وجود نظام‌های پایدار تولید غذا و اجرای روش‌های کشاورزی انعطاف‌پذیر که تا ۲۰۳۰ باعث افزایش بهره‌وری و تولید شود، به حفظ زیست‌بوم‌ها



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

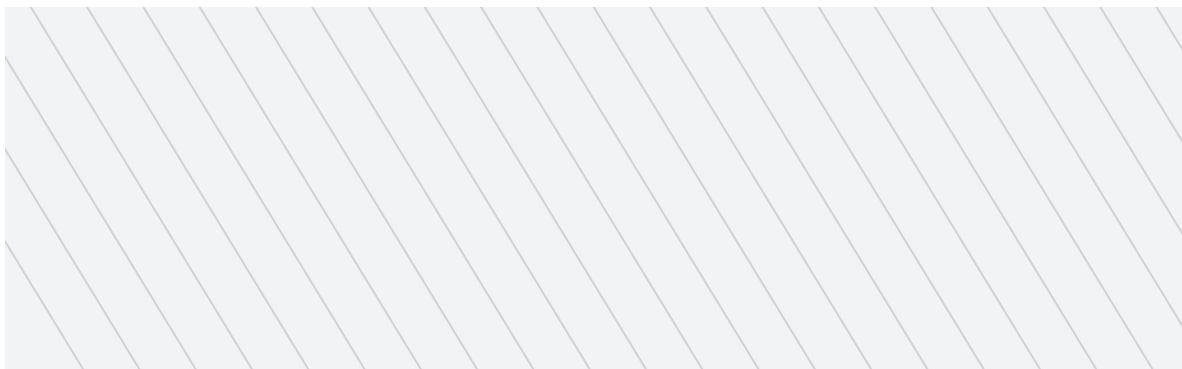


آرمان توسعه پایدار

۲

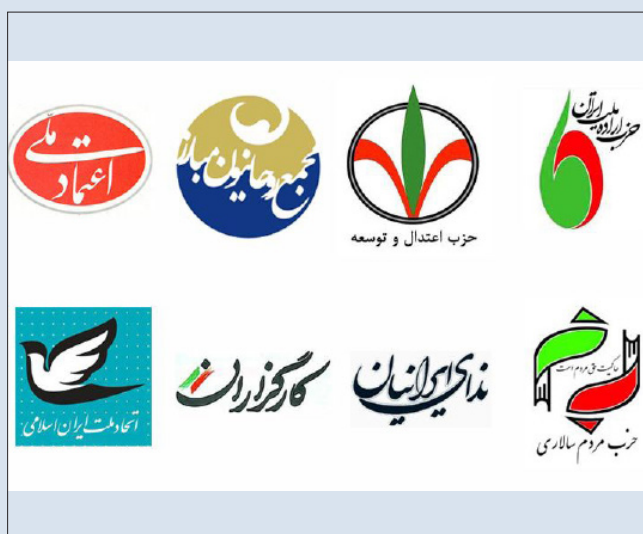
به صفر رساندن گرسنگی

پایان بخشیدن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهتر، و ترویج کشاورزی پایدار





تاریخ احزاب سیاسی ایران





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۶)

پایان دوره یکم شورای ملی و آغاز انسداد سیاسی

به توپ بستن مجلس و فرجام فعالین سیاسی

عمر مجلس اول کمتر از دو سال بود و بیشتر وقت آن صرف حل و فصل اختلافات و مقدمات تاسیسی شد. قزاقان مسلح روسیه به فرماندهی کلنل ولادمیر لیاخوف در روز دوم تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی با توپخانه خود ساختمان مجلس شورای ملی را هدف حمله قرار دادند. از مجموعه رویدادهای این روز به توپ بستن مجلس، توپ بندی مجلس، یوم التوپ، ضرب حکومت و واقعه ارتجاعیه یاد شده است.

این حادثه در دومین سال سلطنت محمدعلی شاه قاجار و در شرایطی که مجلس شورای ملی اولین دوره تجربه قانون گذاری را پشت سر می گذاشت، اتفاق افتاد. حادثه به توپ بستن مجلس که از خشن ترین مقاطع حوادث عصر مشروطه بود، نقطه اوج درگیری نظام استبدادی محمدعلی شاهی قاجار با جریان های مشروطه خواه بود.

این حادثه در دومین هفته رئیس الوزرای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و در شرایطی که محمدعلی شاه با راهنمایی نظامیان روس نقاط مختلف تهران را به ستاد عملیاتی خود علیه مشروطه خواهان تبدیل کرده بود، رخ داد. محمدعلی شاه که از زمان مرگ مظفرالدین شاه مایل به هیچ گونه سازش و همراهی با مشروطه خواهان نبود، عملاً روبه روی نمایندگان مجلس ایستاد. محمدعلی شاه برخلاف وانمودی که در دوره صدارت عین الدوله به علاقه مندی به مشروطه داشت، از همان آغاز سلطنت عملاً به مخالفت با مجلس پرداخت. در مراسم تاج گذاری خویش مجلسیان را دعوت نکرد؛ وزرای خود را هم به مخالفت و بی اعتنائی به مجلس تکلیف یا تشویق کرد. اساس دارالشوری و عدالتخانه دچار تزلزل شد، با این حال تاسیس انجمن های ایالتی و ولایتی در تهران و سراسر کشور در سال ۱۳۲۴ ق، تدریجاً موجب تثبیت مجلس شد و غوغایی که در دفاع از مشروطه در تبریز بر پا شد، درباریان را از ادامه مخالفت با مجلس ترساند. شاه هم به ناچار دستخطی مبنی بر تایید و قبول مشروطیت صادر کرد. بالاخره مجلس نیز متمم قانون اساسی را در ۱۰۷ ماده که در واقع تکمله اساس مشروطیت بود تهیه و تصویب کرد و بدین گونه اصل تفکیک قوای سه گانه مملکت که تاسیس عدالتخانه بدون آن غیر ممکن یا بی فایده بود، به وسیله مجلس اول به تصویب رسید. طبیعتاً استمرار نظام پیشین ذی نفعانی داشت. بر اثر اقدامات مجلس، نظام ملوک الطوائفی روبه افول بود و دیر یا زود مستمری های گزاف و بی قاعده شاهزادگان و اعیان قطع می شد. مجلس بودجه کشور را اصلاح و تعدیل کرد، بانک ملی به وجود آورد، مستمری های نزدیکان شاه را محدود کرد و حتی برای خود شاه مستمری متناسب تعیین کرد. این کار خشم و مخالفت شاه را نسبت به مجلس شدیدتر کرد.

در اسفند ۱۲۸۶ گروهی با کمین در مسیر حرکت شاه و پرتاب بمب به سوی اتومبیلش موجب تعمیق و تشدید اختلافات شدند. شاه از ترس اتفاق

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه یادکست هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نمائیم. بعد از ساعت ها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهائی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتاب های تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توصیه های ساده و موجز داشتند.

برای اینکار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس هایی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار مآقرار می داد، بخش هایی از این کتاب را بتدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب ها آماده شود.

(در بخش های قبلی این نوشتار به بحث تعاریف و اصطلاحات مرتبط با احزاب سیاسی؛ وضعیت احزاب در قفقاز و عثمانی؛ جوانه زدن احزاب در ایران، انقلاب مشروطیت؛ و احزاب در مجلس اول پرداختیم. اینک بخش ششم این نوشتار تقدیم می گردد.)

بخش ششم: پایان دوره یکم شورای ملی و آغاز انسداد

سیاسی

قبل از پایان عمر مجلس اول شورا، این مجلس توسط نظامیان تحت امر محمدعلی شاه به توپ بسته شد و فعالیت احزاب و فعالین سیاسی آن به پایان رسید. در این بخش میپردازیم به وقایع ماه آخر مجلس و سرنوشت فعالین سیاسی مشروطه خواه.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

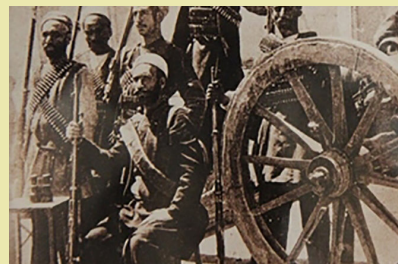
شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

مشابه خود را در قصرش محبوس کرد و بدگمانی اش افزون شد. مجلس به جای رفع تنش با شاه با سنگ اندازی در راه دستگیری سوء قصد کنندگان فضا را مسموم تر کرد. محمدعلی شاه خواهان دستگیری بمب اندازها بود. او در دستخطی به مجلس از بی عملی آنها در دستگیری مقصرین شکایت کرد. در چنین شرایطی انجمن ها به صورت علنی اعضایشان را مسلح کرده، به آنها مشق نظامی می دادند که از سویی دیگر فشار بیشتری بر شاه وارد می کردند. در ۱۱ خرداد ۱۲۸۷ گروهی به سرکردگی علاءالدوله در خانه عضدالملک گرد آمدند و خواهان تبعید شش نفر از درباریان از جمله حسین پاشاخان امیربهدار شدند. محمدعلی شاه به ناچار با برکناری و تبعید آنها موافقت کرد. او که مدت زیادی از تلاش برای ترورش نگذشته بود، تبعید امیربهدار (رئیس کشیک خانه) را که مسوول حفظ جان شاه بود حمل بر نقشه ای دیگر برای ترور خود کرد. چند روز قبل از عزیمت شاه به باغ شاه اعلاناتی به دیوارها چسباندند به این مضمون که به شاه امر شده بود در تمام مدت جلسات مجلس از شهر خارج نشود. روز ۱۴ خرداد درهای قصر باز شد. عده ای سرباز سیلاخوری با هیاهو بیرون آمدند. شاه با کالسکه اش که در محاصره قزاق ها بود چهار نعل خارج شد و به باغ شاه رفت. این طرز حرکت موحی از نگرانی در شهر ایجاد کرد. متعاقب آن بازارها تعطیل شد. محمدعلی شاه پس از استقرار در باغ شاه در نامه ای به مجلس اظهار کرد برای استراحت از شهر خارج شده است و جای نگرانی نیست. مجلس در نامه شدیدالحنی به او جواب داد که خروج ناگهانی شاه خلاف اراده ملت و تهدید آزادی و امنیت است. از همان هنگام اعضای مسلح انجمن ها به مجلس رفتند و در مجلس و مسجد سپهسالار سنگر گرفتند. محمدعلی شاه عضدالملک را همراه عده ای دیگر از رجال به باغ شاه احضار کرد و هنگام خروج آنها جلال الدوله، علاءالدوله و سردار منصور را توقیف کرد و دستور تبعید آنها را داد.

فوج سیلاخوری

یکی از لشکرهای نظامی ایران در دوره های مختلف تاریخی بوده است. اغلب سربازان این سپاه از قصبه و دشت سیلاخور در ولایت بروجرد لرستان بوده اند. ایشان به عنوان گارد محافظ شخص محمدعلی شاه منصوب و در قصبه مباران مجلس و دستگیری و کشتار مشروطه خواهان پیش قراول و بازیگر اصلی میدان نبرد در قشون محمدعلی شاه بودند. شجاعت و نیز قامت بلند سربازان سیلاخوری مشهور بوده است. فوج سیلاخور مورد توجه شاهان ایران بوده و در نبردهای مختلف رشادت زیادی از خود نشان داده اند. این فوج در زمان رضاشاه پهلوی به گارد سپه تغییر نام داد.



بعد از استقرار شاه در باغ شاه در حالی که وی هنوز مدعی بود به قانون اساسی ملتزم است و خواهان رسیدن به توافق با مجلس شورابود، از تبریز، رشت، قزوین و شیراز انجمن ها تلگراف هایی مخابره کردند و خواهان خلع محمدعلی شاه از سلطنت شدند. شاه در ۱۸ خرداد در پیامی مکتوب به مجلس اعلام کرد که آزادی ملت را محترم می شمارد و برای حفظ نظم و امنیت، بعضی از مفسدین را گرفتار کرده و بعضی دیگر را دستگیر خواهد کرد. در بازارها جاز زدند که هر کسی دکانش را ببندد آن را غارت خواهند کرد. در ۲۱ خرداد شاه از مجلس

خواست ۱۱ نفر را تبعید کند، قانون مطبوعات را جاری سازد، نظام نامه ای برای انجمن ها تدوین شود که آنها را از مداخله در امور اجرایی منع کند و حمل اسلحه ممنوع شود. مجلس به شاه پاسخ داد که تبعید اشخاص قبل از محاکمه و اثبات جرم خلاف قانون اساسی است. منع حمل اسلحه هم بعد از برقراری امنیت اشکالی ندارد و با سایر مطالبات شاه موافقت کرد.

پس از شکست مجلس شورای ملی در دوره یکم عده ای از روزنامه نگاران و نمایندگان مجلس به واسطه راه ارتباط بین مجلس و باغ امین الدوله - به پارک امین الدوله در شمال میدان بهارستان گریختند. اما با لورفتنشان، ۳۹ نفر از آنان دستگیر و به باغ شاه منتقل شدند که چهار تن از این عده اعدام شدند:

• **سیدحسن تقی زاده**، نماینده آذربایجان در مجلس، رهبر فرقه دموکرات، مؤسس مجله گنجینه فنون (چاپ تبریز)، و کاوه (چاپ برلین) که به سفارت بریتانیا در تهران پناهنده شد. تقی زاده و همراهانش را تحت الحفظ تا بندر انزلی بردند و از آن جا روانه ای باکو کردند. او نخست به فرانسه و سپس به شهر کمبریج انگلستان رفت. با مجامع سیاسی مختلفی آشنا شد و در جراید انگلیسی مصاحبه هایی از او راجع به مشروطیت ایران منتشر شد.

• **میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل)**، نماینده مجلس و همکار میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا علی اکبر دهخدا در روزنامه صوراسرافیل که دستگیر و در حضور شاه اعدام شد.

• **میرزا ابراهیم تبریزی**، نماینده تبریز در مجلس و رئیس انجمن غیرت که در درگیری توسط قزاق ها کشته شد.

• **سید عبدالله بهبهانی** مجتهد معروف از رهبران روحانی از حزب اجتماعین عامیون که دستگیری و به عراق تبعید شد.

• **سید محمد طباطبائی سنگلجی**، مجتهد و از سران روحانی جنبش که دستگیر شد و پس از سه روز به خراسان رفت.

• **ابوالحسن خان پیرنیا معاضد السلطنه**، نماینده تهران در مجلس ابتدا به فرانسه رفت و سپس در عثمانی در اواخر سال ۱۲۸۸ خورشیدی / محرم ۱۳۲۷ ق به ریاست انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول منصوب شد.

• **محمد تقی بنکدار**، نماینده بازاریان تهران در مجلس که پس از فرار دستگیر شد. او از اجتماعین اعتدالیون بود.

• **شیخ احمد روح القدس** معروف به سلطان العلمای خراسانی روزنامه نگار و مدیر روزنامه روح القدس که دستگیر و با ضرب و شتم به باغ شاه برده شد و همراه دیگر زندانیان در غل و زنجیر زندانی شد. او پس از تحمل شکنجه های فراوان به انبار دولت برده و خفه شد. جسد نیمه جانش به چاه انداخته شد.

• **حاجی میرزا نصرالله بهشتی (ملک المتکلمین)** نماینده مجلس و از اعضای انجمن باغ میکرده. دستگیر شد و در باغ شاه در حضور محمدعلی شاه به قتل رسید. او پیش از مشروطه از اعضای کمیته انقلاب ملی در تهران و هم چنین از مدرسان مدرسه میرزا حسن رشیدی بود.

• **میرزا صادق خان مستشارالدوله** نماینده مجلس بود. پس از به توپ بستن مجلس، همراه عده ای از نمایندگان در باغ شاه زندانی شد. اما پس از هفت ماه در نهایت جذب محمدعلی شاه شد و به منشی گری محمدعلی شاه رسید. محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر برای ریشه کن کردن مجلس مشروطه و سرکار آوردن مجلسی که مورد تایید خود باشد، در صدد تأسیس دارالشورا برآمد و از بیست نفر دعوت کرد تا مأمور تدوین اساسنامه دارالشورا کرد که مستشارالدوله هم میان آنان بود.

• **سید جمال الدین واعظ اصفهانی**، نماینده مجلس که به دستور محمدعلی شاه وی را در زندان بروجرد خفه کردند.

• **میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله** دیپلمات پیشین، نماینده اراک، و رئیس مجلس، او از دولت فرانسه پناهنده گی سیاسی گرفت. به عضویت انجمن

نظام ملوک الطوائفی

«ملوک الطوائفی» یعنی نظامی که در آن هر «طایفه»، قوم، ایالت و منطقه زیر تسلط یک «ملک»، یا شاه محلی، خان، امیر و سلطان کوچک باشد. البته معمولاً در یک نظام ملوک الطوائفی هم ممکن است یک دولت «مرکزی» وجود داشته باشد که دولت های خرد و بزرگ محلی به درجه های گوناگون، حداقل بظاهر تابع آن باشند. سایر معادل های این نظام عبارتند از: خان خانی، خان سالاری، ارباب سالاری، مالک سالاری، فئودالی، قبیله سالاری، عشیره سالاری، تیره شاهی، تیره فرمانی، هر که هر که

انجمن اخوت

انجمن اخوت را ظاهرًا صفی علیشاه بنیان گذاشته است ولی علی خان ظهیرالدوله سیاستمدار و عارف ایرانی دوره قاجار که از پیروان صفی علی شاه بوده است، آنرا علنی نموده است. ظهیرالدوله و همسرش فروغ الدوله با شروع جنبش مشروطه به آزادی خواهان پیوستند و در رویداد به توپ بستن مجلس خانه شان ویران شد. دختر او، فروغ الملک نیز از درویش انجمن اخوت بود و در سیر و سلوک عرفانی مقام مرشدی داشت.

جلسات انجمن اخوت با نظم خاص در سالی که ۱۱۰ صندلی به نام هر یک از اعضا در آن قرار داشت، در جوار منزل ظهیرالدوله برگزار می شد تا زمانی که عمال محمدعلی شاه قاجار در واقعه حمله به مجلس، این بنا و منزل ظهیرالدوله را به توپ بسته و به کلی ویران کردند.



طرفداران ایران در آمد. به لندن رفت و به عنوان رئیس مجلس متواری ایران در مصاحبه های مطبوعاتی از تخلفات و استبداد اطرافیان محمدعلی شاه سخن گفت که در روزنامه های آن زمان به چاپ رسید. در پاریس به عضو انجمن ایرانیان مقیم در پاریس و همچنین جمعیت فرانسه و ایران شد.

• **ابراهیم حکیمی ملقب به حکیم الملک**، نماینده تهران در مجلس شورای ملی. به سفارت فرانسه پناهنده شد و سپس به اروپا رفت. در آنجا بر ضد محمدعلی شاه به فعالیت پرداخت. بعد از فتح تهران و برکناری محمدعلی شاه، به ایران بازگشت و در انجمن آشتی ملی که برای تدوین قانون انتخابات تشکیل شده بود در انجمن نظارت که نظارت بر انتخابات تهران را بر عهده داشت. • **میرزا محمدعلی خان طهرانی** سردبیر روزنامه ترقی. روزنامه اش توقیف شد و خود او در باغشاه به اسارت درآمد.

• **حسینقلی خان نواب**، نماینده تهران مجلس، در میان درگیری به خانه اش در قلعه گریخت. در جریان استبداد صغیر به عضویت «کمیته سری» درآمد و در مجلس دوم عضو حزب دموکرات شد.

• **محمدناصر صفا، ملقب به ظهیرالسلطان**، نقاش و مؤسس مجمع اخوت که دستگیر شد و در باغ شاه اسیر شد.

• **سید عبدالرحیم خلخالی**، روزنامه نگار در روزنامه مساوات که به سفارت بریتانیا در تهران پناهنده شد.

• **علی اکبر دهخدا**، نماینده مجلس، عضو حزب دموکرات، سردبیر روزنامه صوراسرافیل که به سفارت بریتانیا در تهران پناهنده شد. سپس به اروپا تبعید شد. عضو انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول شد. پس بازگشت به ایران، پس از دوران تبعید و در ادامه فعالیت سیاسی خود به حزب اعتدالیون پیوست، بر خلاف یاران سابقش که غالباً در حزب دموکرات گردآمده بودند.

• **یحیی میرزا اسکندری** شاهزاده مشروطه خواه، عضو جامع آدمیت و همین طور عضو لژ فرانسه. از شدت جراحت در جریان توپبندی درگذشت.

• **قاسم خان صوراسرافیل** نماینده مجلس و روزنامه نگار که نفی بلد شد و به برلین رفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

دیدار امیر قطر و پادشاه بحرین در لندن



تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر و حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین در حاشیه مراسم تاج گذاری چارلز سوم در بریتانیا، دیدار کردند. به گزارش روسیا الیوم، استقبال گرم امیر قطر و پادشاه بحرین از یکدیگر مورد توجه کاربران شبکه های اجتماعی قرار گرفت. مراسم تاج گذاری چارلز سوم در بریتانیا روز گذشته با حضور سران بسیاری از کشورهای جهان برگزار شد. قطر و بحرین همواره اختلافاتی داشته که حتی پس از آشتی کشورهای شورای همکاری و توافق العلا، این اختلافات پابرجا مانده بود. دو کشور اخیرا توافق عادی سازی روابط و از سرگیری روابط دیپلماتیک امضا کردند.

جنگنده های عراقی مواضع تروریست های داعش را بمباران کردند



به گزارش خبرگزاری رسمی عراق (واع) فرماندهی عملیات مشترک عراق روز یکشنبه در بیانیه ای اعلام کرد: بر اساس اسناد اطلاعاتی از سوی اداره اطلاعات نظامی عراق و با طراحی و نظارت واحد هدفگیری فرماندهی عملیات مشترک، جنگنده های F۱۶ نیروی هوایی، عملیات موافقی علیه یک گروه تروریستی در منطقه صندیج در منطقه عملیاتی دیالی انجام دادند. در این بیانیه آمده است: این عملیات منجر به هلاکت اعضای این گروه تروریستی و نابودی مقرهای آنان شد. این بیانیه می

عراق طی یک ماه ۶ میلیون بشکه نفت به آمریکا صادر کرد



به گزارش شفق نیوز، عراق در ماه آوریل ۵ میلیون و ۹۴۰ هزار بشکه با میانگین ۱۹۸ هزار بشکه در روز نفت خام به آمریکا صادر کرده است. عراق در ماه مارس ۷،۲۰۲۳ میلیون و ۵۳۳ هزار بشکه با میانگین ۲۴۳ هزار بشکه در روز نفت به آمریکا صادر کرده بود. عراق در هفته نخست ماه آوریل میانگین ۲۴۱ هزار بشکه در روز، در هفته دوم به طور میانگین ۱۸۰ هزار بشکه در هفته سوم ۲۲۲ هزار بشکه و در هفته چهارم ۱۴۸ هزار بشکه نفت به آمریکا صادر کرد. براساس اعلام اداره اطلاعات انرژی آمریکا، عراق پس از کانادا، مکزیک و عربستان، در رتبه چهارم بیشترین صادرات نفت به آمریکا قرار گرفت.

بیش از ۴۰ کشته و مجروح در تصادف دو کامیون در ترکیه



وزیر بهداشت ترکیه از کشته شدن ۱۲ تن در تصادف دو کامیون در جنوب ترکیه خبر داد. به گزارش «آنا تولی»، فخرالدین قوچه، وزیر بهداشت ترکیه، گفت که این حادثه در جاده انطاکیه به اسکندرون رخ داده که باعث شد یکی از کامیون ها وارد لاین مقابل جاده شود و ۱۱ خودرو را زیر بگیرد. او گفت که در این حادثه ۱۲ تن کشته و ۳۱ تن زخمی شده اند که حال ۳ تن از آنها وخیم است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

افزاید: نیروهای امنیتی و خلبانان عراق، همواره در کمین بقایای تروریستی داعش هستند.

۶ هزار قطعه باستانی عراق که در لندن بوده به این کشور بازمی گردد



مراسم تحویل آثار باستانی عراق در لندن روز جمعه با حضور عبداللطیف رشید، رئیس جمهور عراق برگزار شد. بر اساس بیانیه دفتر ریاست جمهوری عراق، در این مراسم ۶ هزار قطعه باستانی که از سال ۱۹۲۳ از عراق، تحویل گرفته شده بود، به این کشور بازگردانده شد. رشید که برای حضور در مراسم تاج گذاری چارلز سوم به بریتانیا رفته بود، تصمیم گرفت این آثار باستانی همراه او از لندن به بغداد منتقل شود. در مراسم تحویل این آثار، وزیر فرهنگ، گردشگری و آثار باستانی عراق، سفیر عراق در لندن، مدیر کل موزه های بریتانیا، مدیر کل موزه لندن حضور داشتند. این آثار از طرف عراق به بریتانیا با هدف بحث و بررسی واگذار شده بود که شامل حدود ۶ هزار قطعه، چندین لوح و چندین صندوق کتاب است.

رشد ۳.۹ درصدی اقتصاد عربستان در ۳ ماه ابتدایی ۲۰۲۳



رشد سالیانه اقتصاد عربستان در ۳ ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۳ نسبت به مدت مشابه در سال گذشته ۳.۹ درصد بوده است. به گزارش «الخلیج آنلاین» اداره کل آمار عربستان روز یکشنبه اعلام کرد که این افزایش رشد اقتصادی متکی بر رشد ۵.۸ درصدی فعالیت های غیر نفتی در ۳ ماهه ابتدایی سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال گذشته بوده است. همچنین بخش نفتی این کشور نیز در ۳ ماهه ابتدایی سال شاهد رشد سالیانه ۱.۳ درصد بوده است. عربستان که بزرگترین صادر کننده نفت جهان است، سعی دارد با هدف کاهش تکیه بر درآمدهای نفتی و افزایش مشارکت بخش غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی در چارچوب چشم انداز ۲۰۳۰، اقتصاد خود را تنوع دهد. مؤسسه مالی بین المللی در آوریل گذشته پیش بینی کرد بخش های نفتی و غیرنفتی در کشورهای عربی منطقه، عملکرد قوی خود را در سال جاری حفظ کنند. این امر از تأثیرات ناشی از کاهش تولید نفت و کاهش نرخ این محصول بر اقتصاد این کشورها می کاهد. مؤسسه مالی بین المللی در گزارش خود پیش بینی کرد رشد تولید غیرنفتی داخلی کشورهای منطقه با تکیه بر مصرف

ویژه و سرمایه گذاری ها، بین ۴ تا ۵ درصد بماند. رویترز نیز هفته گذشته نوشت که اقتصاد کشورهای شورای همکاری در سال ۲۰۲۳ به سبب کاهش درآمدهای نفتی و کاهش تولید، سرعت رشد کمتری نسبت به سال گذشته خواهند داشت.

آغاز مذاکرات طرف های درگیر سودان در جده



عربستان سعودی و آمریکایی بیانیه مشترک اعلام کردند که مذاکرات میان هیات های ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع در شهر جده آغاز شده است. به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان سعودی «واس» عربستان سعودی و آمریکا از آغاز مذاکرات اولیه میان نمایندگان ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع استقبال کردند. همچنین این دو کشور از طرف های درگیر سودان خواستند که در قبال مردم خود احساس مسئولیت کرده و بطور جدی در این نشست شرکت کنند. و همچنین نقش راهی برای مذاکرات جهت توقف عملیات نظامی ترسیم کرده و بر پایان دادن درگیری ها تأکید کنند. این در حالی است که با میانجیگری ریاض و واشنگتن چندین بار آتش بس میان طرف های درگیر در سودان اعلام شده است اما این طرف ها یکدیگر را به نقض آن متهم کرده اند. گفتنی است که درگیری ها میان ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع در ۱۵ آوریل گذشته آغاز شد. تاکنون ۶ بار آتش بس اعلام شده اما طرفین به طور مداوم آن را نقض می کنند. بر اساس آخرین آمار سازمان ملل و سندیکای پزشکان سودان، تعداد قربانیان این درگیری ها به ۵۵۰ نفر از جمله ۴۴۸ غیرنظامی و شمار مجروحان نیز به ۴۹۲۶ نفر رسیده است. کشورهای مختلف از روند تحولات و آوارگی شهروندان سودانی و مهاجرت آنها به کشورهای اطراف ابراز نگرانی شدید کردند.

حمله هوایی اردن به مناطق مرزی سوریه



به گزارش روسیا الیوم، رسانه های اردنی روز دوشنبه اعلام کردند هواپیماهایی مناطق مرزی اردن با سوریه را مورد هدف قرار داده اند. به گزارش «روسیا الیوم» ساکنان مناطق مختلفی در استان اردب، ساعات اولیه صبح امروز، دوشنبه صدای انفجارهایی قوی شنیدند. پایگاه اردنی

حمله حامیان پ.ک.ک به صندوق های رای انتخابات ترکیه در آمستردام



شماری از حامیان گروه پ.ک.ک، ناظران حزب سبز چپ و افراد غیر شهروند ترکیه به ناظران صندوق های رای برون مرزی انتخابات ریاست جمهوری و بیست و هشتمین دوره مجلس ترکیه در آمستردام، پایتخت هلند حمله کردند. این حمله درست پس از بسته شدن صندوق های رای در سالن گنگره رائی آمستردام اتفاق افتاد. این افراد که قبل از بسته شدن صندوق ها در ساعت ۲۱ در محل مذکور جمع شده بودند، به برخی از ناظران ائتلاف جمهور طعنه انداخته و وارد درگیری فیزیکی شدند. پلیس هلند که به این محل آمد با سگ و باتوم مداخله کرده و ناظران ائتلاف جمهور را از این محل خارج کرد. حامیان پ.ک.ک نیز به استراحتگاه این سالن منتقل شدند. این افراد در این محل نیز شعارهایی در طرفداری از گروه پ.ک.ک و سرکرده آن سر دادند. شمار زیادی آمبولانس به این محل اعزام شده و شاهدان مجروح تحت درمان قرار گرفتند. فاتح اوزیار، خبرنگار شبکه A خبر ترکیه در نخستین روز آغاز رای گیری در آمستردام توسط یکی از اعضای حزب سبز چپ مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تلفن همراهش خسارت دید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

بازداشت معاون سابق امور اطلاعاتی وزارت کشور عراق



یک منبع امنیتی از بازداشت احمد ابورغیف، معاون سابق امور اطلاعاتی وزیر کشور خبر داد. به گزارش الفرات نیوز، این منبع گفت که بازداشت ابورغیف به دستور عبدالامیر الشمیری، وزیر کشور عراق، بوده است. وی توضیح داد که این مقام سابق در وزارت کشور عراق، در پی مسائل مرتبط با امور امنیتی و فساد بازداشت شده است. گفتنی است دادگاه تحقیقات الکرخ در بغداد اوایل سال جاری، ابورغیف را ممنوع الخروج کرد و به او مهلت داد تا مشروعیت اموال خود را ثابت کند. ابورغیف در سال ۲۰۲۰ از جانب «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر وقت عراق، با اختیارات گسترده به ریاست کمیته عالی مبارزه با فساد منصوب شد. عملکرد او در این مقام با انتقادات بسیاری مواجه شده است.

«خبرنی» به نقل از ساکنان استان اربد اعلام کرد که آنان در ساعات اولیه صبح امروز دوشنبه، برای بیش از ۱۰ دقیقه صدای جنگنده ها و انفجارهای قوی در مناطق مجاور مرز سوریه شنیدند. این پایگاه ویدیویی منتشر کرد که پرواز جنگنده ها در آسمان شهر الرمثا در شمال اردن را نشان می دهد. فعالان فضای مجازی گفتند که جنگنده های اردنی حملاتی را به روستای مرزی خراب الشحم در درعا و تلی الحاره و الجموع با هدف حمله به کارخانه ساخت مواد مخدر و روانگردان تروریست ها هدف قرار دادند. هفته گذشته، «ایمن الصفدی» وزیر خارجه اردن، در مصاحبه با شبکه «سی ان ان» گفت که اگر سوریه به اقدامات جدی برای توقف قاچاق مواد مخدر به اردن و کشورهای شورای همکاری و جهان دست نزنند، «اقدامات لازم برای برخورد با آن را انجام می دهیم». او گفت که اردن تهدید قاچاق مواد مخدر را دست کم نمی گیرد و «اگر شاهد اقدامات جدی در برخورد با این تهدید نباشیم خودمان هر کاری لازم باشد انجام می دهیم از جمله اقدام نظامی در خاک سوریه برای پایان دادن به این تهدید بسیار خطرناک».

سفر هیئتی از آژانس اتمی چین به عربستان



هیئتی از آژانس اتمی چین (CAEA) با مقامات سازمان زمین شناسی عربستان، راه های همکاری مشترک در زمینه های علوم زمین شناسی و انرژی زمین گرمایی جایگزین را بررسی کرد. روزنامه سبق روز دوشنبه خبر داد: هیئت چینی با عبدالله بن مفطر الشمیرانی، مدیرعامل سازمان زمین شناسی عربستان، پیرامون سازوکارهای همکاری در چندین طرح مربوط به علوم زمین شناسی و پایگاه داده های ملی زمین شناسی را گفت و گو کرد. در این دیدار همچنین پیرامون امکانات و تجارب طرفین که ضامن بهبود دستاوردهای مشترک است، گفت و گو شد. هیئت چینی از کتابخانه حفاری عربستان بازدید کرد تا با سازوکار و دیجیتالی سازی نمونه های حفاری هسته ای آشنا شود. همچنین تصاویر طیف سنجی رنگی اجزای معدنی و نیز سیستم مدیریت پایگاه داده های اصلی حفاری که هماهنگ با پایگاه داده های زمین شناسی ملی عربستان (NGD) مورد بازدید هیئت چینی قرار گرفت. این سفر هیئت چینی در ضمن دیدارهای مشارکتی با مقامات سازمان تنظیم مقررات هسته ای و رادیولوژیک عربستان و سازمان زمین شناسی این کشور برای بررسی راه های همکاری در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی و فناوری هسته ای است. گفتنی است سازمان زمین شناسی عربستان در کنار طرح ها و اقدامات فعلی خود، بر روی بررسی انرژی های زمین گرمایی تجدیدپذیر جایگزین نیز کار می کند. پیش از این برخی گزارش ها از همکاری محرمانه یکن و ریاض در ساخت نیروگاه اتمی در خاک عربستان خبر داده بودند.



اخبار حزبی



صدور پیام گرامیداشت روز جهانی کارگر از طرف دفتر سیاسی حزب

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در پیام گرامیداشتی به مناسبت روز جهانی کارگر (اول ماه می)، ضمن احترام به این مناسبت بزرگ، تاکید می کند که ادامه بی توجهی به حقوق مسلم کارگران و معضلات ایشان، موجب بروز پیامدهای تلخی در زندگی و معیشت کارگران و خانواده های محترم ایشان گردیده و همچنین جامعه را ناگزیر با بروز تنش های اجتماعی و مدنی مواجه می کند که در مسیر استیفای حقوق به حق این قشر عظیم رخ می دهند و می توانند هزینه های هنگفتی نیز برای حاکمیت ایجاد کنند. لذا حزب اراده ملت ایران ضمن به رسمیت شمردن و ارج نهادن به حقوق و مطالبات صنفی و مدنی کارگران، تمرکز و کارسازی بدون وقفه و بی درنگ بر موارد زیر را مورد تاکید قرار می دهد:

۱. محترم شمردن حق تجمع و اعتراض و تحصن نسبت به حقوق تضییع شده و معطل مانده کارگران.
۲. آزادی تمامی زندانیان صنفی کارگری و تضمین آزادی بیان و رسانه.
۳. حق آزادی در ایجاد تشکل، اتحادیه و سندیکا های مستقل، خودجوش و سامان یافته از نمایندگان واقعی و دغدغه مند کارگری.
۴. اصلاح دستمزدهای پایه متناسب با نرخ تورم کشور.
۵. تامین امنیت شغلی برای تمامی کارگران، و حمایت پایدار و موثر از کارگرانی که زندگی و معیشت ایشان متأثر از رکود و ورشکستگی و تعطیلی واحدهای صنعتی و کارگاهی شده است.
۶. رویکرد انسانی و مسئولانه و علمی در جهت تغییر و تعویض مدیرانی که با نگاه غیر علمی، استثماری و غیر مسئولانه امور شغلی و هویتی هزاران کارگر را بطور روزمره با رفتار و گفتار ناسنجیده خود، مورد خدشه و آسیب قرار می دهند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

ابهام در حضور انتشارات حزب اراده ملت ایران در بخش فیزیکی نمایشگاه کتاب



انتشارات حزب اراده ملت ایران سال گذشته با ۱۴ عنوان کتاب هم در بخش فیزیکی و هم در بخش مجازی نمایشگاه حضور داشت. اما امسال و در حالیکه ۲۱ عنوان کتاب را آماده ارائه نموده بود، فقط مجوز حضور در بخش مجازی نمایشگاه را دریافت کرد و از حضور در بخش فیزیکی نمایشگاه محروم شد. بدنبال اعلام دبیرخانه نمایشگاه، مدیرمسئول انتشارات نامه ای را برای علی رضائی مسئول دبیرخانه نمایشگاه نوشتند و درخواست بررسی مجدد برای حضور در بخش فیزیکی نمودند. همزمان رایزنی هایی را نیز با مسوولان نمایشگاه صورت دادند که تا لحظه بستن صفحات نشریه نتیجه آن مشخص نشده است.

سومین گردهمایی فصلی اعضای هیات تحریریه نشریه اراده ملت برگزار شد



در ادامه دوشنبه فصلی اعضای هیات تحریریه نشریه اراده ملت، سومین نشست فصلی در جمعه ۱۵ اردیبهشت برگزار شد. در این نشست که ۱۳ نفر از اعضای هیات تحریریه و حزب در آن حضور داشتند ضمن گپ و گفت های دوستانه، در مورد برنامه های آتی نشریه در جهات ارتقا کمی و کیفی آن صحبت شد و افراد نظرات خویش را مطرح نمودند.

بحث ویژه نامه های نشریه یکی از مهم ترین این مباحث بود و مقرر شد که از این پس جایگاه خاصی برای ویژه نامه ها در ساختار کلی نشریه در نظر گرفته شود. اولین ویژه نامه نشریه در اسفند سال ۱۴۰۱ به مناسبت روز جهانی زن منتشر شد و دومین ویژه نامه به مناسبت نمایشگاه کتاب در همین هفته (اردیبهشت ماه ۱۴۰۲) منتشر خواهد شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

حضور اعضا حزب در دو دیدار سیاسی



جمعی از فعالان سیاسی اخیرا با رئیس دولت اصلاحات دیدار کردند. در این دیدار موضوعات مختلفی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این دیدار علاوه بر چهره های سیاسی همچون فیاض زاهد، اسفندیار عبدللهی، غلامعلی رجایی، مهدی نصیری، محمدعلی ابطی و...؛ پیام فیض عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت نیز حضور داشت. خاتمی در این دیدار در رابطه حضور اصلاح طلبان در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس، تاکید کرده که فعلا وارد این فضا نشوید چرا که باید بررسی کرد که آیا شرایط برای حضور مهیا می شود یا خیر.

در دیداری دیگر به عنوان نشست نوروزی، تعدادی از اصلاح طلبان در دفتر محسن رهامی گرد هم آمدند. در این دیدار نیز تعدادی از اعضای حزب اراده ملت منجمه احمد حکیمی پور، علی خلیلی پور، علی برقراری، احسان محمدزاده، پیام فیض و پرویز اکبری حضور داشتند. در این نشست محسن رهامی با بیان اینکه این جلسه صرفا برای تجدید دیدار با دوستان برنامه ریزی شده است و جنبه خبری یا سیاسی ندارد، افزود: «من هم مانند دوستان علاقه مند هستم جلسات هم اندیشی ادامه یابد و با توجه به مسائل جاری کشور و مناسبت های مختلف و رویدادهای سیاسی پیش رو، به نظر در آینده جلسات و نشست ها، به صورت تخصصی تر و مصداقی تر برگزار شود».



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۲

۲۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲

زهره رحیمی، مسئول کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران

آموزش‌های تشکیلاتی (۱)

آرمانگرایی و دیگر خواهی در افرادی که عمری را صرف کارهای عام‌المنفعه و مدنی می‌کنند، انکارناپذیر است. اما در میان کارهایی با نفع عمومی و با هدف خیر دیگری، برخی زودبازده‌ترند. مثل کمک مالی مستقیم و بی‌واسطه به نیازمندان. فرد یا افراد کمک‌کننده و امدادگر، لبخند و شادی مددجو را می‌بیند. حتی طی این کمک‌رسانی، شاهد رفع یک مشکل خاص یا گشودن گرهی از زندگی او هستند. مخاطب تکریم و سپاس فرد یا افراد نیازمند قرار می‌گیرند. همه اینها ضمن ایجاد خرسندی و رضایت از کمکی که صورت گرفته، نقش عوامل مشوق را برای ادامه حرکت‌های خیر بعدی ایفا می‌کنند.

همچنین در میان امور عالم‌المنفعه، برخی از آنها قابلیت انجام فردی را دارند. یعنی ماهیت کار و کمک، بگونه‌ایست که اراده‌کننده‌ی کنش، می‌تواند به تنهایی و بدون کمک و همراهی دیگران آنرا محقق کند و به سرانجام برساند. این هم عاملیست که در تحقق چنین اموری بسیار کمک می‌کند. چرا که شما به عنوان فرد کنشگر، مجبور نیستید که در هیچ قسمت کار، نظر و انتقاد افراد دیگر را لحاظ کنید و یا متکی به هماهنگی برای کمک آنها نیستید. به قولی، خودتان می‌بُرید و می‌دوزید. این ویژگی، هم به سرعت تحقق کارتان کمک می‌کند. هم می‌توانید کار را دقیقاً مطابق سلیقه و نظر خودتان پیش ببرید.

ویژگی سوم که کارهای مدنی و عام‌المنفعه را از هم تفکیک می‌کند، نهادینگی کنش و نهادی شدن آن است. اینکه شما همزمان با انجام کنش، در صدد نهادینه شدن آن نیز هستید یا چنین هدفی را دنبال نمی‌کنید. چون برای نهادینه شدن یک کنش یا یک مجموعه کنش، باید دست به ایجاد نهاد زد و نهادسازی و انواعش، البته بسته به کم و کیف امور مربوطه دارد. این مورد سوم، موردی است که بشدت در تعیین پیچیدگی کار نقش دارد. بدیهی‌ست که اگر دنبال نهاد باشید، به الزامات و دقایق و فرایندهایی نیاز است که در غیر این حالت، از آن خلاص‌اید!

حالا شاید راحت‌تر بتوانید به دسته‌بندی کنش‌های مدنی بپردازید. پاکسازی یک منطقه از زباله، تامین و یلچیر برای چند سالمند، آموزش مهارت به کودکان کار، غربالگری یک روستا از نظر بهداشت دهان و دندان، جمع‌آوری و مستندسازی پیشینه رقص یک سرزمین، راه‌اندازی یک مرکز ادبی غیرانتفاعی، یا کنش سیاسی پایدار، هر چند هر کدام شکلی از مدنیت دارند و با نفع و خیر دیگران و جامعه صورت می‌پذیرند اما پیچیدگی و مسیر پیمودن آنها متفاوت است و دستیابی به نتیجه و حتی شاخص کامیابی، آنها را بشدت از هم متمایز می‌کند. بطوریکه برخی زمین مانده‌اند و یا آگاهی و درک جامعه در خصوص برخی از این کنش‌های مدنی، بشدت اندک و با کژی و خطا همراه است.

خُب، کنش‌های سیاسی در قالب یک حزب، از آندسته اموری هستند که:

یک- شما بعنوان یک کنشگر سیاسی حتی رده اول، ممکن است حتی در طول عمر هشتاد ساله خود نیز، شاهد تامین اهدافتان نباشید. پس دیربازده هستند.

دو- شما بعنوان یک کنشگر سیاسی حتی رده ارشد، هرگز نمی‌توانید به تنهایی امور را به انجام برسانید. اساساً ماهیت این امور جز تشکیلات و جز با گروه انجام دادن نیست. پس دیگران، نظر دیگران، خصلت دیگران و الگوی کنش دیگران بسیار رفتار شما را متاثر خواهد کرد. شما تصمیم اول و آخر را نمی‌گیرید و یکه‌تاز نیستید.

سه- جز نهادسازی، راه‌گریز و جایگزینی ندارید. چون باید بعنوان یک کنشگر سیاسی مجرب و آگاه با اهداف بلندمدت و ملی، بسیاری از امور را نهادینه کنید.

پس اگر اراده برای کنشگری مدنی داریم، دقیقاً از ابتدا و در طول مسیر، مدام این سنگ‌ها را با خودمان و بکنیم. می‌خواهیم از کدام نقطه از سرزمین پهناور کنشگری مدنی بیاغازیم. نقطه عزیمت و هدف ما کجاست؟

اینگونه می‌توانیم هر چه واقع‌گرایانه‌تر، کنش مدنی مطلوب خویش را انتخاب کنیم و در ادامه کار نیز، واقع‌بینانه‌تر به مسیر و به نتیجه نگاه کنیم.



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

خاطرات سیاسی

www.khsmag.ir

۱۹ خاطرات ۱۴۰۱

انتخاب سیاسی و انتخاباتی در مجلس
مجلس شورای اسلامی - ۱۴۰۱
۱۳۹۹ - ۱۴۰۱

معادله دو مجهولی بقای و آیت

پیش از یاد
مقاله‌ای در بارهٔ امر انتخاباتی
نقش‌آفرینی در اکثریت مجلس
و
پرونده‌ای برای
امروز و فردا

با آثار و گفتارهای از
مستقلان ایرانی
محمد حسین پور
آبادی
مسعود بهنود
احمد حکیم پور
سجاد شکسته
عباس دایمی
احمد شهبازی
مهدی نوری
فریدون مجتهد
مهدی مختاری
و ...



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

خوانشی نوین: مردم‌سالاری اجتماعی

بنیان‌های مردم‌سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)



نویسندگان: توبیاس گومبرت و همکاران
مترجم: زهره رحیمی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

یک خوشه نور

اکبر صمدی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.